



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



پیمان منتظران

بیعت نامہ یاران حضرت مہدیؑ

احمد سعیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیمان منتظران : بیعت یاران مهدی

نویسنده:

احمد سعیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پیمان منتظران: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	آغاز سخن
۲۱	پیش گفتار
۲۳	فصل اول: معانی و مراحل بیعت
۲۳	معانی بیعت
۲۵	بیعت قلبی
۲۶	بیعت زبانی
۲۶	بیعت عملی
۲۸	فصل دوم: موارد بیعت در صدر اسلام
۲۸	موارد بیعت در اسلام
۲۸	بیعت پیامبر با اصحاب
۳۳	بیعت با امام علی علیه السلام
۳۴	بیعت با امام حسن علیه السلام
۳۴	بیعت با امام حسین علیه السلام
۳۵	بیعت با سایر امامان علیهم السلام
۳۶	بیعت با امام زمان علیه السلام
۳۸	فصل سوم: بیعت در روایات و ادعیه
۳۸	بیعت با مهدی از نگاه روایات
۴۹	فصل چهارم: اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام
۴۹	اصحاب امام زمان
۵۰	وظایف و تکالیف

۵۲	فصل پنجم: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام
۵۲	بیعت نامه یاران مهدی با آن حضرت
۵۳	سند بیعت نامه
۵۵	متن بیعت نامه
۵۷	شرح و توضیح مواد بیعت نامه
۵۸	دزدی نکردن
۶۰	زنا نکردن
۶۳	آدم کشی نکردن
۶۵	هتک حرمت نکردن
۶۷	فحش و دشنام ندادن
۶۹	به خانه ای هجوم نبردن
۷۱	کسی را نزدن
۷۲	از حیوان ضعیف کار نکشیدن
۷۳	با طلا آرایش نکردن
۷۵	لباس خز نپوشیدن لباس حریر و ابریشم نپوشیدن
۷۷	کفش صدادار به پا نکردن
۷۹	مسجدی را خراب نکردن
۸۲	راه را بر کسی نبستن
۸۴	به یتیم، ظلم و ستم نکردن
۸۶	ناامن نکردن راه ها
۸۷	با کسی مکر و حيله نکردن
۸۸	مال یتیم را به ناحق نخوردن
۹۱	فساد و فحشا نکردن
۹۵	شراب نخوردن
۹۸	در امانت خیانت نکردن
۱۰۰	خلاف عهد نکردن

- ۱۰۵ ----- مواد غذایی را احتکار نکردن
- ۱۰۶ ----- پناهنده را نکشتن
- ۱۰۷ ----- شکست خورده را تعقیب نکردن
- ۱۰۸ ----- خونی را به ناحق نریختن
- ۱۰۹ ----- به شخص مجروح حمله نکردن
- ۱۱۰ ----- لباس زبر پوشیدن
- ۱۱۲ ----- خاک را متکای خود قرار دادن
- ۱۱۴ ----- نان جو خوردن
- ۱۱۵ ----- قناعت کردن و به کم راضی بودن
- ۱۱۸ ----- در راه خدا جهاد و کوشش کردن
- ۱۲۰ ----- بوی خوش استعمال کردن
- ۱۲۲ ----- از پلیدی و نجاست دوری کردن
- ۱۲۳ ----- امر به معروف کردن نهی از منکر نمودن
- ۱۲۷ ----- به چیزی که نمی دانند گواهی ندادن
- ۱۲۹ ----- طلا و نقره ذخیره نکردن
- ۱۳۱ ----- اما آنچه که امام زمان علیه السلام برای یارانش تعهد می کند:
- ۱۳۲ ----- نتیجه و نگاه کلی
- ۱۳۴ ----- درباره مرکز

پیمان منتظران: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: سعیدی، احمد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: پیمان منتظران: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام / مولف احمد سعیدی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۸۷-۲؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - یاوران

موضوع: بیعت

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/س۷۴ پ۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۳۲۷۶۱

ص: ۱

اشاره

آغاز سخن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ

وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

پروردگارا! ما کلام فرستاده ات را شنیدیم که فرمود: به خدایتان ایمان بیاورید. پس ایمان آوردیم و مؤمن شدیم. (۱)

بارالها! تو فرمودی که رسولم را اجابت و تصدیق کنید تا شما را به سر منزل مقصود برساند، پس او را اجابت کرده و تصدیق

نمودیم. (۲)

معبود! نسخه سرنوشت انسان و قرآن تو که معجزه پیامبرت می باشد به ما رسید، پس اوامرش را شنیدیم و از نواهی اش پرهیز

کردیم.

خداوندا! با ابلاغ پیک تو، راه و رسم ایمان و زندگی و عبادت را در

ص: ۹

۱- ۱. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا...؛ سوره آل عمران، آیه ۱۹۳.

۲- ۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...؛ سوره انفال، آیه ۲۴.

پیروی از ولایت و امامت ائمه دین یافتیم، آن گاه شیعه بودن علی و اولادش علیهم السلام را به جان خریدیم. (۱)

آفریدگارا! رسول تو فرمود که بعد از من دوازده خلیفه و جانشین، دوازده هادی و مهدی، دوازده امام و راهنما خواهد بود، و مزد رسالت من فقط در محبت به اینان است، پس پیرو آنان باشید و ما نیز با جان و دل پذیرفتیم.

خدایا! یک یک آن امامان علیهم السلام که همان انوار درخشان دنیا و آخرت اند، به راهنمایی مردم زمان خود پرداختند؛ اگرچه مردم قدرشناس و جاهل و کینه جو، حرمت آنان را نگه نداشتند و این یازده گل هستی را پرپر نموده و شهید و مسموم کردند.

اینک ماییم و آخرین امام و راهنما، ماییم و آخرین ذخیره و منجی، ماییم و آخرین سفیر الهی، وارث همه انبیا و اولیا و امامان علیهم السلام؛ ماییم و غیبت، ماییم و انتظار، ماییم و کسب آمادگی ظهور، ماییم و امید درک حضور، ماییم و شوق حکومت آن دادگستر جهان...!

«بیا عهدی ببندیم»!

این ندا از کیست؟ و مخاطب آن کیست؟

آیا امام، ما را می خواند و به راه دعوت می کند؟ یا ما از آن وجود مبارک می خواهیم و تمنا می کنیم؟

چه ما از تو بخواهیم که هر چه زودتر از پس پرده غیبت بدرآیی تا

ص: ۱۰

۱-۳. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ سوره مائده، آیه ۶۷.

چهره دل ربای تو را مشاهده کنیم و با تو عهد ببندیم و یا تو از ما بخواهی که از راه های انحرافی برگردیم، از راه گناه، توبه کنیم، از راه عصیان و نافرمانی دست برداریم، و به سوی تو بیاییم، تو که بیشتر منتظر مایی و چشم به راه شیعانیت می باشی؛ زیرا تو وارث خاندان عطوفت، رحمت، رأفت و کرامتی (۱) که فرمودید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَأَناسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَأَذَلِكْ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»؛ (۲)(۳)

«ما شما را رها نمی کنیم و یادتان را از خاطر نمی بریم که اگر غیر از این بود طوفان حوادث و مشکلات بر شما می بارید و دشمنان، شما را پایمال می کردند».

پس «خدا کند که بیایی» و خدا کند که ما هم از وسوسه های شیطان در امان باشیم، مبدأ و معاد را بهتر بشناسیم و چراغ هدایت را از یاد نبریم، باشد که عهدی ببندیم!

رابطه امام و رهبر، با امت و اجتماع، یک نوع رابطه متقابل و دو طرفه است؛ یعنی همان طور که اجتماع و جامعه بدون رهبر و امام منجر به هرج و مرج می شود و امور آنان به سامان نمی رسد، از امام بدون امت، و رهبر بدون یاور نیز کاری بر نمی آید؛ هر چند آن رهبر، امام معصوم و برگزیده خدا باشد.

ص: ۱۱

۱-۴. همان طور که رسول خداصلی الله علیه و آله نسبت به امتش چنین بود: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»؛ به یقین، رسولی از خود شما به سويتان آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۲-۵.

۳-۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

اگر قرار است امام زمان علیه السلام ظهور کند و اوضاع جهان را سر و سامان بخشد، ظلم و ستم را بر طرف کند، و قسط و عدل را حاکم فرماید، باید گروهی و مردمی باشند تا امام با کمک آنان و یاری و همراهی ایشان به این امور مبادرت ورزد.

گفته نشود که اگر امام، برگزیده و از جانب خداست و دارای معجزه می باشد، پس خود به تنهایی اقدام نماید، چه نیازی به مردم؟ (۱)

چون دنیا دار تکلیف و عمل است، و همه امور باید از طریق عادی و اسباب و علل معمول آن انجام گیرد، نه از راه غیر عادی و معجزه، که اگر قرار بر این بود، از همان ابتدا خدا می توانست کاری کند که همه مردم، مؤمن و متقی گردند. (۲)

پس وجود گروهی از مردم و همراهی آنان با وجود نازنین امام زمان علیه السلام برای اقامه قسط و عدل، لازم و ضروری است. این گروه و اصحاب و یاران امام، ویژگی ها و وظایفی دارند که به بخش کوچکی از آن در این جزوه پرداخته می شود.

در اینجا نام و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره و شهدای گران قدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ خصوصاً هم‌زمان شهیدم: (۳) حسن متّحدی، حمید متّحدی، رضا متّحدی، علی متّحدی

ص: ۱۲

۱- ۷. همانند آنچه قوم حضرت موسی علیه السلام به ایشان گفتند تو برو به همراه خدایت با کافران جنگ کن، ما هم اینجا هستیم: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»؛ سوره مائده، آیه ۲۴.

۲- ۸. وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا...؛ و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به {اجبار} ایمان می آوردند؛...». سوره یونس، آیه ۹۹.

۳- ۹. تعدادی از دوستان شهیدم از شهر بسطام.

(اسماعیل)، علی متّحدی (حسینعلی)، علی اکبر متّحدی، و ید اللّٰه متّحدی را گرامی داشته، برای سرافرازی نظام جمهوری اسلامی ایران و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّٰه خامنه ای «حفظه اللّٰه» دعا می کنیم.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدّس جمکران حجّت الاسلام و المسلمین آقای حسین احمدی قمی که زمینه نشر این اثر را فراهم نمودند و نیز از برادران واحد پژوهش؛ به خصوص حجج اسلام علی تقوی دهکلانی و احمد رضا فیض پور که در تنظیم آن همکاری فرمودند، کمال تشکر را داریم.

والسلام

قم - احمد سعیدی

ص: ۱۳

در دوران کنونی معمولاً افراد برای به دست گرفتن حکومت و اعمال قدرت، از تشکیل حزب و گروه بهره می‌گیرند و برای رسمیت بخشیدن به آن قدرت، از انتخابات و همه‌پرسی که به عنوان دمکراسی مطرح شده، استفاده می‌کنند.

لکن در زمان‌های گذشته؛ از جمله صدر اسلام، این کار به صورت بیعت انجام می‌شده است، بیعتی که از کلمه بیع گرفته شده و تداعی کننده نوعی معامله دوطرفه بین مردم و حاکم است. اما از آنجا که در آن زمان، جمعیت محدودتر بوده و همه تقریباً یکدیگر را می‌شناختند، این کار به صورت شفاهی انجام می‌شد، به این معنا که شخصاً حاضر می‌شدند و دست می‌دادند و بیعت می‌کردند؛ یعنی بر مواردی تعهد می‌دادند. این قول و قرارها آن چنان محکم و استوار بود که تا پای جان نیز می‌ایستادند و از پیمان خود دفاع می‌کردند.

البته بسیار واضح است که بین رأی دادن و دست بیعت دادن خیلی فرق است؛ همچنان که بین رأی دادن برای انتخاب وکیل و وزیر و رئیس جمهور، با بیعت کردن با جان و مال با حاکم اسلامی نیز فرق بسیار است.

شخص بیعت کننده، با این نیت نیست که امام معصوم را انتخاب و نصب کند؛ بلکه گویا با امام و حاکم اسلامی معامله می کند؛ یعنی وجدان خود را در گرو می گذارد، به این که او را صاحب اختیار خود بداند، فرمان او را فرمان خدا بداند و سپس از او اطاعت کند، سخنش را بشنود و او را یاری کند.

در مقابل این تعهد، امام نیز دست او را می گیرد و به راه راست هدایت نموده، با بیان احکام اسلامی و معارف الهی، او را به قرب خدای متعال می رساند و سعادت دنیا و آخرتش را تضمین می نماید.

نکته مهمی که در همین ابتدای کتاب، ذکر آن قابل توجه می باشد این است که برای زمان غیبت امام عصر علیه السلام در هیچ آیه و روایتی نیامده است که کسی یا مقامی یا گروهی به نام و عنوان امام زمان علیه السلام از مردم بیعت بگیرند، چنان که برخی از فرقه ها و گروه های انحرافی، مردم ساده را فریب داده، رئیس و قطب و رکن خود را به عنوان نایب یا باب یا نماینده امام زمان علیه السلام معرفی کرده و از مردم بیعت می گیرند. بلکه برعکس، روایات متعددی داریم که از چنین بیعت هایی نهی فرموده اند.^(۱)

ص: ۱۵

۱- ۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳؛ غیبت نعمانی، ج ۲۹، ص ۱۱۱.

معانی بیعت

بیعت و مبايعت به معنای هم عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می رود؛ چنان که در کُتب لغت گفته شده است:

مبايعه همان معاقدہ و معاھدہ است کہ گویی ہر کدام از دو طرف بیعت، آنچه کہ نزدش می باشد را بہ دیگری واگذار کردہ، خود را در اختیار او قرار می دہد. (۱)

بیعت کننده تصمیم قطعی می گیرد و عزم قلبی محکم می کند به این که شخصی را که با وی بیعت نموده، با نثار جان و مال و فرزند، از وی حمایت کند و از هیچ چیزی از آنچه مربوط به او هست در راه یاری و نصرت وی دریغ ننماید و جان و مال خود را در راه آن شخص نثار کند. آنچه هم که در دعای عهد با امام زمان علیه السلام برای هر روز وارد شده بیعت به همین معناست. (۲)

گاهی بیعت به معنای دست به هم دادن نیز به کار می رود؛ چنان که

ص: ۱۶

۱- ۱۱. مرآة الانوار و مجمع البحرين به نقل از مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲- ۱۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲.

در بین عرب مرسوم بوده و آیه شریفه ده سوره فتح (۱) بر آن دلالت دارد که از لفظ دست استفاده نموده است؛ علاوه بر این که برای بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اصحاب آن حضرت با دست دادن با ایشان بیعت می کردند. (۲)

البته این دست دادن در حقیقت اظهار آن تصمیم و عزم قلبی است؛ یعنی شخص بیعت کننده با دست دادن به طرف مقابل، او را از آن تصمیم خود آگاه می کند و نیز علامتی است برای نشان دادن بیعت به دیگران و یا اثبات آن در هنگام اختلاف و چنان که قبلاً توضیح داده شد. (۳) چنین بیعتی در زمان غیبت امام عصر علیه السلام با هیچ کسی جایز نبوده و از آن نهی شده است.

ص: ۱۷

۱- ۱۳. إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...؛ کسانی که با تو بیعت می کنند {در حقیقت} تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آن هاست.

۲- ۱۴. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲.

۳- ۱۵. در صفحه ۱۵.

اولین مرحله بیعت، بیعت قلبی است؛ شبیه آن که مثلاً در خرید و فروش کالا، ابتدا قصد می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم که کدام جنس را بفروشیم و فلان جنس دیگری را بخریم، اینجا نیز تصمیم قطعی می‌گیریم که چه عملی را انجام دهیم؛ مثلاً در قلب و دل خود با وجود مبارک امام زمانمان علیه السلام بیعت می‌کنیم، او که خلیفه خدا و بقیه الله در روی زمین است و آخرین جانشین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌باشد. وقتی می‌گوییم آخرین جانشین پیامبر خاتم است؛ یعنی نه تنها با او بیعت می‌کنیم؛ بلکه با امامان قبل از ایشان و خود رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بیعت می‌کنیم. و متوجه و منتظر این معنا باشیم که هرگاه آن امام غایب از نظر ظهور فرمودند، با جان و دل تحت فرمان حضرتش باشیم و همیشه با همین نیت و توجه قلبی، شبمان را به روز ببریم و روزمان را به شب سحر کنیم.^(۱) و این گونه بیعت کردن نیز جز با پیامبر و امام معصوم، جایز نیست چون بحث جان مطرح است؛ لکن چون پیامبر و امام نسبت به مؤمنان، از خودشان هم سزاوارترند، اشکالی از نظر فقهی و اعتقادی بوجود نخواهد آمد.

البته چنین بیعت و انتظاری، مستلزم این است که در عمل نیز مطابق اوامر و نواهی آن حضرت رفتار نموده، آنچه که خدا و شرع مقدس از ما خواسته انجام دهیم.

ص: ۱۸

۱- ۱۶. البته که همین نیت و خواست قلبی نیز، پاداش و ثوابی جداگانه دارد که فرموده اند نیت شخص مؤمن از عمل او برتر است؛ زیرا انگیزه و مقدمه انجام کار خیر می‌باشد.

بیعت زبانی

پس از مرحله بیعت قلبی، نوبت به مرحله بیعت زبانی می‌رسد. بیعت زبانی؛ یعنی همان نیت و بیعت و توجه قلبی که داشتیم را با زبان نیز ظاهر کنیم و به دیگران هم تعلیم دهیم و آنان را به این امر ترغیب و تشویق نماییم، هر کجا هستیم نام و یاد او را زنده و بزرگ بداریم و هر کجا می‌رویم به زبان بیاوریم که ما پیرو و شیعه و محب آن یار غایب از نظر هستیم، ما تابع فرمان او هستیم که هرگاه ظهور فرمایند و دستوری صادر نمایند، تا سر حدّ جان ایستاده ایم و با جان و مال و فرزندان، تحت فرمان او می‌باشیم.

یکی از نمودهای بیعت زبانی، خواندن دعای عهد و زیارت صاحب الامر است که مستحب است در هر روز صبح خوانده شود. و نیز سایر زیارات و ذکرهای وارده از جانب معصومین علیهم السلام که در کتب ادعیه وارد شده است. (۱)

بیعت عملی

بیعت عملی یعنی؛ در آمادگی باشیم که هرگاه امام قائم علیه السلام ظهور فرمودند، با تمام هستی خود در خدمت و اختیار آن حضرت باشیم؛ چون او که قرار است حکومت عدل جهانی و اسلام ناب محمدی را در سراسر گیتی برقرار سازد، نیاز به یار و یاور دارد، نیاز به افرادی است که دارای ایمان کامل باشند و در آمادگی و انتظار برای فداکاری در راه امام بسر برند.

ص: ۱۹

۱-۱۷. به خصوص مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی.

در واقع بیعت عملی به معنای عمل کردن به چیزی است که هنگام پیمان و بیعت، تعهد کرده بودیم، در بیع و معامله، فروشنده متعهد شده که جنس را به خریدار تحویل دهد، اینجا نیز بیعت کننده متعهد می شود که هرگاه امام مطالبه جنس را بکند، دریغ نرزد و جنس در این معامله نیز جان و مال بیعت کننده بوده که نباید کوتاهی کند.

معنای دیگر بیعت عملی با امام و یاور پا در رکاب ایشان بودن در زمان غیبت به این است که تمام احکام و اخلاق و آداب اسلامی را در خودمان ظاهر کرده باشیم؛ واجبات و مستحبات را انجام و از محرّمات و مکروهات اجتناب کنیم (۱) و در یک کلمه خود را به اعمال صالحه که دستور خدا و قرآن است مزین نماییم؛ چرا که هر جا در قرآن سخن از ایمان به میان آمده، در کنارش عمل صالح نیز ذکر شده است. (۲)

یعنی هم ایمان قلبی لازم است و هم عمل صالح که آن ایمان را در خارج به ظهور و بروز برساند. اگر چنین شد فردی صالح خواهیم شد؛ می توان گفت منتظر واقعی خواهیم بود؛ چون تا کسی صالح نباشد نمی تواند منتظر مصلح باشد. مهدی موعود که به عنوان مصلح جهانی، معرفی و شناخته شده است که می آید و تمام کزی ها و کاستی ها را اصلاح می کند و همه مفسد را از سر راه بر می دارد؛ لذا کسی که منتظر مصلح است باید خود نیز صالح باشد.

ص: ۲۰

۱- ۱۸. که فقط تعداد اندکی از این واجبات و محرّمات در این جزوه ذکر شده و توضیح مختصری پیرامون آن بیان گردیده است.

۲- ۱۹. برخی از آیات مربوطه چنین است: سوره بقره، آیه ۸۳؛ مائده، آیه ۹۳؛ یونس، آیه ۹؛ رعد، آیه ۲۹؛ حج، آیه ۱۴؛ تین، آیه ۷؛ بینه، آیه ۷؛ عصر، آیه ۳.

موارد بیعت در اسلام

پیشینه بیعت در اسلام چگونه است؟ آیا بیعت کردن در اسلام سابقه دارد؟ چه کسی با چه کسانی بیعت کردند؟ چه زمانی و کجا بیعت کردند؟ از صدر اسلام موارد متعددی پیش آمده که مردم با پیامبر و جانشینان آن حضرت بیعت کردند. برخی بیعت ها اگرچه به نام اسلام و به عنوان جانشینی پیامبر انجام شده ولی مطابق با حقّ نبوده و در جهت مطامع دنیوی و با زور و تزویر بوده است. در این قسمت به برخی از موارد بیعت در صدر اسلام که به حقّ و مورد تأیید می باشد اشاره ای کوتاه خواهیم داشت.

بیعت پیامبر با اصحاب

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مواقع متعدد و زمان و مکان مختلفی با یاران و اصحاب و مسلمانان بیعت نمودند که این بیعت ها گاهی فردی و گاهی جمعی، زمانی مخفی و زمانی علنی بوده است. برخی از موارد بیعت مسلمانان با پیامبر صلی الله علیه و آله که از اهمیت بیشتری برخوردار بود از این قرار است:

اولین بیعت و پیمان اسلامی در عقبه شهر مکه که گردنه ای در منی می باشد بین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دوازده نفر از تازه مسلمانان یثرب بود که در سال دوازدهم بعثت و به دور از چشم قریش و مشرکان و مخفیانه اتفاق افتاد. متن این پیمان به قرار زیر بود:

۱- برای خدا شریک قائل نشویم.

۲- دزدی و زنا نکنیم.

۳- فرزندان خود را نکشیم.

۴- به یکدیگر تهمت نزنیم.

۵- کار زشت انجام ندهیم.

۶- در کارهای نیک نافرمانی نکنیم. (۱)

ب) بیعت عقبه دوم

دومین پیمان و بیعت پیامبر با مسلمانان در شب سیزدهم ماه ذیحجه سال ۱۳ بعثت واقع شد. در این شب حدود ۷۳ نفر از مسلمانان مدینه در ملاقات با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در عقبه ضمن تأکید بر پیمان قبلی، این گونه بیعت کردند که همان طور که از فرزندان و اهل بیت خود دفاع می کنند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز دفاع نمایند. بیعت آنان به این صورت بود که ابتدا سه نفر از حاضران بلند شدند و با پیامبر دست بیعت دادند، سپس تمام جمعیت به تدریج بیعت کردند. (۲)

ص: ۲۲

۱- ۲۰. فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۸۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۶۹ و ج ۱۹، ص ۱۵.

۲- ۲۱. فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۸۴؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۷۰.

این دو پیمان مخصوص انصار بود که مهاجران در آن شرکت نداشتند. (۱)

ج) بیعت رضوان

سال ششم هجری و در سفر پیامبر و مسلمانان از مدینه به مکه که منجر به صلح حدیبیه شد، قبل از انعقاد صلح، چند نماینده از طرف پیامبر و مشرکان قریش با هم ملاقات کردند. در یک مورد برگشت نماینده مسلمانان که به میان مشرکان رفته بود به تأخیر افتاد و حتی خبر رسید که وی را به قتل رساندند. پیامبر تصمیم گرفت پیمان خود را با مسلمانان تجدید کند؛ لذا در زیر درختی نشست و تمام یاران و اصحابش با او به عنوان بیعت دست دادند و سوگند یاد کردند که تا آخرین نفس از حریم اسلام دفاع کنند. خداوند نیز از این بیعت راضی گشت و این آیه شریفه نازل شد:

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبَايَعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (۲)

خداوند از مؤمنان هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دل هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دل هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آن ها فرمود؛ و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به

ص: ۲۳

۱- ۲۲. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷.

۲- ۲۳. سوره فتح، آیات ۱۷ و ۱۸.

دست می آورید؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است!

یعنی نه تنها از این کار پیامبر و مسلمانان راضی بود بلکه به آنان مژده داد که به زودی نیز فتح و پیروزی و غنیمت های فراوان نصیب شما خواهد شد.

و سپس این آیه نازل شد:

«إِنَّ الدِّينَ يَبَايِعُوكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ (۱)

کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آن هاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

این یک بیعت عمومی و علنی بود که بر خلاف دو بیعت قبلی، هم مهاجران و هم انصار در آن شرکت داشتند. (۲)

(د) بیعت النساء

پس از فتح مکه، برای اولین بار و به طور رسمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زنان بیعت گرفت که به بیعت النساء معروف شد؛ اگرچه در بیعت عقبه دوم هم سه نفر از زنان حاضر بودند.

مفاد این پیمان بنا بر آیه شریفه چنین بود:

ص: ۲۴

۱- ۲۴. سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- ۲۵. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (۱)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است!

برای تشریفات بیعت نیز پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرف آبی آوردند و مقداری آب و عطر در آن ریختند، سپس پیامبر دست خود را در آن آب گذاشت و آیه فوق را قرائت فرمود؛ سپس برخاست و به زنان فرمود هر که حاضر است با شرایط فوق بیعت کند، دست در ظرف آب نماید. (۲)

ص: ۲۵

۱- ۲۶. سوره ممتحنه، آیه ۱۲.

۲- ۲۷. فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۹۷.

برای امیرمؤمنان علیه السلام دو بیعت بسیار بزرگ و مهم واقع شد که برای کسی چنین سابقه نداشت:

الف) اولین بیعت با امیر مؤمنان علیه السلام که علنی ترین و بزرگ ترین بیعت در تاریخ صدر اسلام است همان واقعه غدیر می باشد که خداوند متعال با نزول این آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۱)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر انجام ندهی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند.

پیامبر را دستور داد که در آخرین حج خود و در مجمع عمومی مسلمانان، امامت امیر مؤمنان علیه السلام را اعلان کند و از آنان بیعت بگیرد.

بیعت با امام علی علیه السلام در روز غدیر بسیار با شکوه بود که همه در حضور خدا و رسول خداصلی الله علیه و آله آمدند و با امام و خلیفه اول و بلافصل پیامبر دست بیعت دادند؛ حتی زنان نیز با زدن دست خود در ظرف آبی که امام علی علیه السلام دست خود را در آن گذاشته بود، بیعت کردند؛ اما صد

افسوس و هزاران افسوس که بزرگ ترین و مهم ترین بیعت اسلامی، شکسته و به فراموشی گذاشته شد ...

ب) بیعت دوم مسلمانان با امیر مؤمنان علیه السلام در زمانی به وقوع پیوست که خلیفه سوم مسلمانان بر اثر به ستوه آمدن مردم از ظلم و بی عدالتی حاکمان و والیان وی، توسط عدّه ای کشته شد. اینجا بود که مردم تشنه عدالت، پس از ۲۵ سال گمراهی به خانه امام علی علیه السلام هجوم آوردند و تقاضای بیعت کردند. این بیعت نیز بر خلاف بیعت با سه خلیفه دیگر، بسیار باشکوه و مردمی و با رضایت کامل انجام شد.

بیعت با امام حسن علیه السلام

در سحر روز ۱۹ ماه مبارک رمضان سال چهل هجری قمری که فرق عدل مجسم، با شمشیر زهر آگین ابن ملجم مرادی ضربت خورد و در بیست و یکم همان ماه امیرمؤمنان علیه السلام به شهادت رسید، با انتقال علم امامت و علم هدایت به امام حسن علیه السلام مردم با او بیعت کردند.

بیعت با امام حسین علیه السلام

طبق قرارداد صلح معاویه با امام مجتبی علیه السلام قرار بود تا معاویه زنده است به کار خودش ادامه دهد؛ اما برای پس از مرگش کاری به خلافت نداشته باشد؛ لذا امام حسین علیه السلام نیز بعد از شهادت امام حسن علیه السلام به صلح برادرش پایبند بود. لکن معاویه که از همان ابتدا پیمان صلح را نقض کرده بود، در اواخر عمر ننگین خود، فرزندش یزید را به عنوان خلیفه

معین و از مردم بیعت گرفت. بنابراین موقعیتی برای امام حسین علیه السلام باقی نماند، تا این که مردم کوفه با ارسال نامه های فراوان، پیشنهاد بیعت و یاری وی را مطرح کردند.

درست است که مردم کوفه مستقیماً با امام حسین علیه السلام بیعت نکردند؛ لکن با سفیر و نماینده ویژه ایشان مسلم بن عقیل بیعت و اعلام وفاداری نمودند و به همین جهت سید الشهداء از مکه به سوی آنان حرکت کرد؛ اگرچه همین مردم نیز به هنگام نیاز، به سبب تطمیع و تهدید و جوّ رعب و وحشتی که توسط عبیدالله بن زیاد درست شده بود، پیمان و بیعت خود را فراموش کردند.

بیعت با سایر امامان علیهم السلام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام چون زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی و ولایی وجود نداشت، لذا بحث بیعت گرفتن نیز پیش نیامد. و امام سجاده علیه السلام هم معارف اسلامی و اخلاقی را در قالب دعا و زیارت و مناجات به شیعیان منتقل می فرمود. امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز اگر چه هزاران شاگرد و مستمع حدیث داشتند؛ ولی نه همه آنان اهل عمل بودند و نه فرصت گرفتن بیعت عملی پیش آمد. بقیه امامان معصوم و مظلوم شیعه علیهم السلام نیز هر یک به نوعی در حصر و زندان و تبعید بودند؛ امام کاظم علیه السلام از این زندان به آن زندان، امام رضا و امام جواد علیهما السلام در دارالحکومه عباسی و امامین عسکریین علیهما السلام نیز در پادگان نظامی و در یک زندان بزرگ محصور بودند؛ لذا نسبت به این امامان عزیز، فقط

شیعیان خاص، آن هم به صورت فردی و مخفیانه بحث بیعت پیش آمد.

بیعت با امام زمان علیه السلام

مهدی موعود و امام آخرالزمان علیه السلام که برای تشکیل حکومت جهانی اسلامی ظهور خواهند کرد و این ظهور وعده خداست در قرآن و خداوند از وعده اش تخلف نخواهد کرد. مهدی زهرا علیهما السلام طبق همان سنت و سیره پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و برای مبارزه با ظالمان و گردن کشان و اجرای عدالت، با یاران و اصحاب خود بر سر اصولی بیعت خواهد فرمود.

لذا بر یک مسلمان و یک شیعه واجب است که همیشه بیعت امام زمان را بر گردن داشته باشد.

از جمله دلایل وجوب بیعت با تمام امامان، به خصوص امام زمان علیه السلام، فرمایشی است که در خطبه غدیریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است، که آن حضرت، مردم را به بیعت کردن با امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین علیهم السلام امر فرموده و عهد و پیمان به اطاعت ایشان را به مردم تلقین کرد که بگویند:

ما شنیدیم و اطاعت نمودیم و راضی و مطیع هستیم به آنچه که از جانب پروردگارت ابلاغ فرمودید در مورد علی و امامان از فرزندان ایشان، پس با دل و جان و زبان و دست، بیعت می کنیم و با همین عقیده

همچنین این حدیث معروف که بیشتر در کتب اهل سنت نیز آمده است که امام صادق علیه السلام فرمایش نمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«من مات و لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیه»؛

«هر کسی بمیرد در حالی که نسبت به امام مسلمین بیعتی بر گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است». (۲)

پس اصل بیعت که ایمان نیز جز به آن محقق نمی شود، واجب است؛ چون اصل ایمان همان التزام با دل و زبان، به اطاعت و فرمان پیامبر و امام معصوم، با مال و جان می باشد.

ص: ۳۰

۱- ۲۹. احتجاج، ج ۱، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۵؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۹۸؛ العدد القویه، ص ۱۸۰؛ الیقین، ص ۳۵۸؛ مکیال المکارم، ص ۳۳۶.

۲- ۳۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ صحیح مسلم، ج ۳، ح ۱۴۷۸؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳؛ ربیع الابرار، ج ۴، ص ۲۲۱.

بیعت با مهدی از نگاه روایات

در این زمینه از هر یک از پیامبر و امامان علیهم السلام روایاتی وارد شده که چند نمونه از آن ها را نقل می کنیم:

الف) از رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ ایشان در مورد بیعت با امام زمان علیه السلام بیانات متعددی دارند؛ از جمله فرمودند:

۱ - «أنه يبایع بين الركن و المقام، اسمه احمد و عبدالله و المهدي»؛^(۱)

با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می شود، اسم او احمد و عبدالله و مهدی است.

۲ - «یبایع المهدي بين الركن و المقام، لا یوقظ نائماً و لا یهريق دماً»؛

«با مهدی بین رکن و مقام بیعت می شود، نه خوابیده ای بیدار می شود، و نه خونی ریخته می شود».

ص: ۳۱

۱ - ۳۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ الخرائج، ج ۲، ص ۱۱۴۹؛ منتخب الانوار، ص ۲۵.

۳- «یا علی! لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یملک رجل من عترتک یقال له المهدی، یمهدی الی الله عزّ و جلّ و یمهدی به العرب کما هدیت انت الکفار و المشرکین من الضلاله. ثم قال: و مکتوب علی راحته: بایعوه بان البیعه لله عزّ و جلّ»؛ (۱)

ای علی! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می گرداند تا آن که مردی از عترت تو را مالک آن کند؛ به او مهدی گفته می شود، به سوی خدا هدایت می کند و عرب به وسیله او هدایت می شود؛ همان طور که تو کافران و مشرکان را از تاریکی و گمراهی هدایت کردی. آن گاه فرمود: در پیش روی او نوشته شده با او بیعت کنید که همانا بیعت با او از آن خداست.

۴- این حدیث را راویان زیادی نقل کردند که رسول خداصلی الله علیه و آله فرمودند: بر روی پرچم مهدی نوشته شده: «البیعه لله»؛ (۲) یعنی بیعت با او، بیعت با خدا و برای خداست.

همان طور که در بیعت مردم با رسول خداصلی الله علیه و آله نیز آیه شریفه فرمود که بیعت شما بیعت با خدا بوده است. (۳)

ب) امام علی علیه السلام نیز در موارد متعددی به مسئله بیعت با ولی

ص: ۳۲

۱- ۳۲. دلائل الامامه، ص ۲۵۰؛ حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی، ص ۲۰۴.

۲- ۳۳. احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۳۶۱.

۳- ۳۴. سوره فتح، آیه ۱۰: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا».

عصر علیه السلام پرداخته اند؛ به خصوص در حدیث مفصلی که موضوع اصلی این کتاب را ترتیب داده است که در جای خود می آوریم.

(ج) امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمودند:

«بیایع القائم بمکه علی کتاب الله و سنه رسوله، و يستعمل علی مکه ثم یسیر نحو المدینه...» (۱).

با امام زمان و قائم آل محمد علیهم السلام در مکه بیعت می شود که طبق احکام قرآن و سنت پیامبرش عمل نمایند، آن گاه حاکمی را در مکه می گمارد و به سمت مدینه حرکت می کند.

در مورد بیعت با امام زمان علیه السلام روایات متعدد دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده که می توان به کتب مربوطه مراجعه کرد. (۲)

(د) مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند:

«هنگامی که خداوند اذن ظهور بفرماید، حضرت قائم علیه السلام به منبر می رود و مردم را به طرف خود می خواند. در این موقع جبرئیل نیز نازل می شود و از حضرت پیرامون دعوتش می پرسد و جواب می شنود؛ آن گاه جبرئیل می گوید: أنا أول من یبایعک، ابسط یدک. من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دستت را دراز کن. پس جبرئیل دست او را مسح می کند و حدود ۳۱۳ نفر نیز با آن حضرت بیعت می کنند. این افراد در مکه می مانند تا تعداد اصحاب به ده ها هزار می رسد؛

ص: ۳۳

۱- ۳۵. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

۲- ۳۶. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۲؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳.

آن گاه به طرف مدینه حرکت می کنند. (۱)

بنابر آنچه گفته شد در ابتدا چند گروه با امام بیعت خواهند کرد:

اول جبرئیل امین است.

آن گاه اصحاب خاص امام، که ۳۱۳ نفر می باشند.

بعد اصحاب عام آن حضرت که هزاران نفر هستند و از شهرهای دیگر به گرد ایشان جمع می شوند.

و سپس سایر مردمی که در مکه بوده و به ایشان ایمان می آورند.

ص: ۳۴

۱- ۳۷. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ معجم احادیث المهدی، علی کورانی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الزام الناصب، ص ۲۴۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

هر شیعه مخلص و یاور امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت و پیمان دارد که در سراسر زندگی، احکام و فرامین اسلامی را رعایت نموده، عملاً منتظر ظهور قائم آل محمد علیهم السلام باشد و این عهد و پیمان را در هر روز و ساعت تجدید کند.

همان طور که گفتیم، اصل بیعت واجب است؛ اما تجدید و تحکیم آن نیز خصوصاً در روز جمعه مستحب است؛ به جهت این که اولاً این روز به نام مبارک آن امام می باشد و ثانیاً هر کار نیکی در این روز، ثواب و پاداش مضاعف دارد.

بنابراین خوب است در هر روز صبح با دعای عهد، این بیعت را تحکیم کنیم.

دعای عهد از دعاهای ارزشمند وجود مبارک امام صادق علیه السلام است که علاوه بر آموزه های والایش، اهم وظایف نیایشی منتظران مهدی موجود موعود علیه السلام را در بر دارد. معارف توحیدی، لزوم ارتباط دائم با امام عصر علیه السلام استقامت و استمرار در دفاع از آن حضرت، معرفی رئوس برنامه های حکومت امام عصر علیه السلام و مانند آن ها، از معارف والایی است که این دعای نورانی به ما می آموزاند.

در اولین فقرات این دعای نورانی، دعا کننده با زمزمه کلمات توحیدی، خداوند را می ستاید و به ربوبیت او اقرار می کند و فرستادن رسل و انزال کتب و تشریح ادیان الهی را از جلوه های ربوبی او برمی شمرد. آن گاه با توسل به عظمت اسمای الهی و سرمدیت ذات

باری از وی می خواهد تا درود و صلواتش را به پیشگاه امام قائم به امر خداوند سبحان، ابلاغ فرماید. این مطلع مبارک بیانگر اتصال مقام امامت به توحید و نیز طریق منحصر معرفت امام و ارتباط با مقام منبع اوست؛ زیرا تا کسی توحید را درنیابد و به ربوبیت خدای بزرگ ایمان نیاورد، به معرفت امام و ارتباط با او بار نمی یابد.

در فقرات بعدی، داعی منتظر، عهدی را با امام خویش می بندد و با شاهد گرفتن خدای سبحان بر آن تأکید می کند که بر اساس آن همواره در هر زمانی و مکانی از یاران امام عصر علیه السلام باشد و در دفاع از او از هیچ کوششی دریغ نرزد و در اجرای منویات امام عصر علیه السلام به سرعت روی آورد و جان خویش را در این مسیر بذل کند. سپس از خدای بزرگ، زیارت آن مظهر جمال و جلال الهی را خواسته و با بیان سبب فساد عالم که همانا تباهی انسان است، عاجزانه از درگاه خداوند، ظهور حجت خدا را خواستار می شود.

این فقرات که بازگو کننده احوال درونی منتظران راستین آن حضرت است، جنبه هایی دیگر از ابعاد انتظار حقیقی را به منتظران آموخته و حیات جامعه را مرهون ظهور فرخنده آثار امام زمان علیه السلام می داند. فقرات پایانی این دعای مبارک نیز ناظر به برنامه های حکومت آن حضرت است و دعاگونه به بیان اموری می پردازد که آخرین حجت خدا، هنگام ظهور به آن ها خواهد پرداخت. (۱)

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که هر که چهل صباح این عهد را

ص: ۳۶

بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ [الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ بِوَجْهِكَ [بِاسْمِكَ] الْكَرِيمِ، وَبُنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَمُحْيِي الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ، الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدِي مِنَ الصَّلَاةِ زَنَّهُ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَدَادِ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ [كِتَابُهُ]، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ [عِلْمُهُ]. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ لَهٗ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا، وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهٗ فِي عُنُقِي، لَا- أَحُولُ عَنْهَا وَلَا- أَزُولُ أَيْدِيَّ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّاكِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِى مُؤْتَرًّا كَفَيْنى، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَالكُمَّلَ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَيِّئِ هَلْ مَخْرَجُهُ، وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَاوَلِيكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَيَّمِي بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ، وَيَحِقَّ الْحَقُّ وَيَحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيِيهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ أَسِيكَانَتَنَا بَعِيدَةً. اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْمَأْمَةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی: الْعَجَّلِ الْعَجَّلِ يَا مَوْلَاى يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» (۱)

«خدایا! ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیل

ص: ۳۸

و زبور، و پروردگار سایه و آفتاب داغ، و فرو فرستنده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و مرسلین، خدایا! از تو می خواهم به ذات بزرگواریت و به نور جمال تابانت و فرمانروایی دیرینه ات، ای زنده پاینده! از تو می خواهم بدان نامت که روشن شد بدان آسمان ها و زمین ها، و بدان نامت که پیشینیان و پسینیان، بدان شایسته گشتند، ای زنده پیش از هر موجودی و ای زنده پس از هر موجود زنده ای و ای زنده در آن هنگام که زنده ای وجود نداشت، ای زنده کننده مردگان، و ای میراننده مردگان، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، خدایا برسان به مولایمان آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو، (که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد) از طرف همه مردان و زنان با ایمان، در شرق و غرب عالم، در دشت و کوه آن، در خشکی و دریای آن، از طرف من و پدر و مادرم، درودهایی هم وزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء کرده و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد. خدایا من تازه می کنم در بامداد این روز و تا هر روزی که زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرنیچم و از آن دست نکشم. خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او و شتابندگان به سوی او، در برآوردن خواسته هایش و انجام دستورات و اوامرش و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان

به سوی اراده اش و شهادت یافتگان پیش رویش. خدایا اگر حایل شد میان من و او آن مرگی که بر بندگانت حتمی قرار داده ای، پس بیرون بیاور مرا از گورم در حالی که کفن به خود پیچیده، با شمشیر آخته و نیزه برهنه، پاسخ گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه. خدایا بنمایان به من آن جمال ارجمند و آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه به دیده ام بکش و شتاب کن در ظهورش و آسان بگردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او در آور و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن. خدایا! به دست او شهرها و بلاد را آباد گردان و بندگانت را زنده گردان، زیرا تو خود فرمودی و گفته ات نیز حق است: «آشکار شد تبهکاری در خشکی و دریا به جهت کرده های مردم»؛ پس آشکار کن خدایا برای ما نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که همانم رسول توست تا دست نیابد به هیچ باطلی جز این که آن را از هم بدراند و پابرجا کند حق را و ثابت نماید آن را. خدایا! آن بزرگوار را پناهگاه ستم دیدگان از بندگانت قرار ده و یاور کسی که جز تو یآوری برایش نیست و تازه کننده احکامی از کتابت که تعطیل مانده و محکم کننده آنچه از نشانه های دین و آیینت و سنت های پیامبرت که درود خدا بر او و آتش باد. خدایا! قرار بده او را از کسانی که از حمله زورگویان نگاهش داشته ای، خدایا! شاد گردان به دیدارش، دل پیامبرت محمد که

درود خدا بر او و آتش باد، و همچنین هر که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرده و رحم کن به بیچارگی ما پس از آن حضرت. خدایا بگشا این اندوه را از این امت با حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که دشمنان آن را دور پندارند ولی ما نزدیک می بینیم، به حق مهر و رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان!

همچنین است تجدید عهدی دیگر که در زیارت امام زمان علیه السلام آمده که اول آن چنین است: «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان...». و خواندن آن طبق روایتی که از امام صادق علیه السلام رسیده در هر روز بعد از هر نماز واجب یا بعد از نماز صبح تأکید شده و در قسمتی از آن آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً فِي رَقَّتِي»؛^(۱)

خدایا من تجدید و تأکید می کنم در این روز و در هر روز برای آن جناب عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم.

مؤلف بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی نقل کرده که در برخی از کتب قدیمه دیده ام که بعد از این دعا دست راست خود را بر دست چپ بزند مثل دست دادن در بیعت.^(۲)

ص: ۴۱

۱- ۴۰. مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر علیه السلام، بعد از دعای ندبه.

۲- ۴۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰؛ مکمال المکارم، ص ۳۳۶.

اصحاب امام زمان

یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام بر دو دسته اند:

اصحاب خاص و اصحاب عام؛

اصحاب خاص که تعدادشان ۳۱۳ نفر است (۱) دارای ویژگی های خاصی هستند؛ از جمله این که:

دارای ایمانی قوی، اخلاص بالا، قدرت و شجاعت زیاد، و بیشتر جوان، و پر استقامت و پایدار هستند، زاهدان شب، قهرمان و جان نثار روز هستند، آرزوی شهادت دارند، در اولین فرصت و لحظه ظهور و به سرعت به گرد حضرت جمع می شوند و اعلان وفاداری می کنند، به جهت شایستگی که دارند، می توانند از کارگزاران و فرماندهان بزرگ امام باشند. (۲)

اما اصحاب عام امام؛ یعنی یاوران ایشان، در درجه بعدی از اصحاب خاص قرار دارند، تعدادشان بیشتر است، در حلقه های بعدی از

ص: ۴۲

۱- ۴۲. در برخی از روایات تقریباً نام اکثر آنان و نام شهرهای ایشان بیان شده است.

۲- ۴۳. آنچه که ذکر شد، بیان خلاصه ای از ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است که در احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است و خواننده مشتاق می تواند به کتب مربوطه مراجعه نماید.

حضور و بیعت هستند؛ اینان نیز مؤمنان صالحی هستند که در مکه و غیر آن به حضور مولایشان امام زمان علیه السلام می رسند و در زیر پرچم آن حضرت با دشمنان می جنگند.

وظایف و تکالیف

بعضی از وظایف یک مسلمان و منتظر ظهور امام عصر علیه السلام علاوه بر آنچه که باید به احکام اسلامی عمل نماید و از منکرات و گناهان اجتناب کند، بدین شرح می باشد: (۱)

۱. معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام؛

۲. آشنایی با صفات و ویژگی های ایشان؛

۳. دوستی و محبت ویژه با آن حضرت؛

۴. محبوب نمودن ایشان در بین مردم؛

۵. بیان مناقب و فضایل آن بزرگوار؛

۶. حضور در مجالس ذکر مناقب و فضایل ایشان؛

۷. ایمان به حتمی بودن ظهور مهدی علیه السلام؛

۸. دعا کردن برای سلامتی امام؛

۹. انتظار فرج ایشان را داشتن؛

۱۰. تسلیم بودن به وقت ظهور؛

۱۱. رعایت ادب نسبت به نام و یاد امام؛

ص: ۴۳

۱-۴۴. برخی از کتابهایی که می توانید در این زمینه به زبان فارسی مطالعه بفرمایید: مکیال المکارم، نجم الثاقب، سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، وظایف منتظران، گفتمان مهدویت، بامداد بشریت، کمال الدین، عبقری الحسان... .

۱۲. زیاد دعا کردن برای فرج؛
۱۳. تمسک به ولایت امام غایب؛
۱۴. صبوری و تمسک به دین حق در فتنه ها؛
۱۵. مقابله با شبهات و اشکالات؛
۱۶. تجدید بیعت و استقامت بر اطاعت؛
۱۷. کمک و یاری برادران مؤمن؛
۱۸. صدقه دادن به نیابت و برای سلامتی امام؛
۱۹. انجام اعمال عبادی به نیابت از ایشان؛ از جمله زیارت و حج و نماز و قرائت قرآن و توسل و غیره؛
۲۰. بزرگداشت اماکن و ایامی که به نام و یاد آن حضرت می باشد؛
۲۱. اظهار اشتیاق دیدار آن بزرگوار؛
۲۲. اهتمام و تصمیم قلبی بر یاری رساندن آن حضرت؛
۲۳. تجدید بیعت همیشگی و همه روزه به خصوص در روز جمعه؛
۲۴. قرائت دعاها و زیارات مربوطه: دعای سلامتی امام، دعای فرج، دعای اللهم عزّنی، دعای غریق، دعای عهد... [\(۱\)](#).

ص: ۴۴

بیعت نامه یاران مهدی با آن حضرت

وجود نجات بخشی که همه ادیان الهی وعده داده اند و ظهور آن منجی و امامی که همه انسان های آزادی خواه و عدالت طلب جهان در انتظار اویند، قانون حتمی خداوندی است. (۱)

او در زمانی خواهد آمد که همه از ظلم و ستم ظالمان به فغان آمده باشند و امید به هیچ کسی و هیچ جایی نداشته باشند.

او خواهد آمد و به کمک یاران خود، بساط ظلم و ستم را برمی چیند.

لکن برچیدن ظلم و فساد نیز به این سادگی نبوده؛ بلکه به جهاد و مبارزه سخت و بی امان و کشتن و کشته شدن نیاز دارد؛ لذا آنان که انتظار مهدی موعود علیه السلام را می کشند، آنان که مشتاق یاری امام زمان علیه السلام هستند، آنان که خواهان همراهی قائم آل محمد علیهم السلام هستند، آنان که می خواهند همانند عهد جاهلیت نمیرند، باید از هر لحاظ آماده باشند، خود را برای یک مبارزه سخت و پیگیر مهیا نمایند. چون یاران آن

ص: ۴۵

۱- ۴۶. وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ سوره قصص، آیه ۵.

داد گستر جهان باید دارای چنان ویژگی هایی باشند که تاب استقامت و پایداری در جهاد را داشته باشند.

به همین جهت است که وقتی حضرت ظهور می کنند، با یاران خود بر اصولی بیعت می نمایند؛ یعنی علاوه بر رعایت تمام احکام الهی، از واجبات و محرمات که بر عهده هر مسلمانی است، باید به مواردی که در زندگی اجتماعی اهمیت بیشتری دارد نیز عنایت خاصی بشود.

ان شاء الله برخی از بندهای بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام که از کلام امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است، را در این جزوه توضیح خواهیم داد:

سند بیعت نامه

مرحوم سید بن طاووس که از علمای بزرگ شیعه بوده، و به زیارت وجود مقدس امام زمان علیه السلام نیز مشرف شده و تألیفات متعدد و گرانسنگی از او به جا مانده است، در کتاب «الملاحم و الفتن» خود به نقل از کتاب «الفتن» ابو صالح سلیلی می نویسد: حسن بن علی مالکی از ابونصر علی بن حمید رافعی چنین حدیث کرده که محمد بن هیثم بصری از سلیمان بن عثمان نخعی، از سعید بن طارق، از سلمه بن انس و او از أصبغ بن نباته حدیث کردند:

روزی امیر مؤمنان علیه السلام مشغول خطبه بودند که ذکری از مهدی علیه السلام و یاران ایشان و نام های آنان فرمودند. ابو خالد حلبی (و شاید ابو خالد کابلی) به امام عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ایشان را برای ما توصیف فرما.

امام علی علیه السلام فرمود:

«آگاه باشید که او شبیه ترین مردم به رسول خداصلی الله علیه وآله است، از جهت آفرینش و اخلاق و زیبایی! آیا می خواهید یاران او و تعدادشان را برایتان بیان کنم؟»

عرض کردیم: بفرمایید، ای امیرمؤمنان!

حضرت نیز از فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه وآله و این که از آن حضرت شنیدم، ابتدا در مورد تعداد یاران مهدی علیه السلام و این که هر کدام از چه شهری هستند و از هر شهری چند نفر هستند مفصل بیان فرمود، تا این که به ۳۱۳ نفر رسیدند.

آن گاه به بیان ویژگی یاران امام زمان علیه السلام پرداخته، ایشان را چنین وصف کردند:

«گویا آنان را می بینم که قیافه و ظاهری همانند دارند، قد و اندازه یکی، جمال و زیبایی یکی، با پوششی واحد، مثل این که گمشده ای دارند که دنبال آن می گردند؛ همچنان حیران و سرگردان و متفکر هستند که مردی از پشت کعبه به سوی ایشان می آید که از نظر خلقت و اخلاق و زیبایی، شبیه ترین فرد به رسول خداست.

این گروه به وی می گویند: آیا تو مهدی هستی؟

اینجاست که حضرت ظهور خود را اعلان می کنند و می فرمایند:

«آری منم مهدی!»

ص: ۴۷

سپس به ایشان می فرماید:

بر چهل ویژگی و خصلت با من بیعت کنید، من هم ده شرط به شما می سپارم».

احنف می گوید که به امام علی علیه السلام عرض کردم: ای مولای من! آن چهل خصلت چیست؟

امیرمؤمنان علیه السلام شروع به شمارش و بیان بندهای تعهدنامه کرده و چنین فرمودند:

متن بیعت نامه

«ببایعون علی ألا- یسرقوا، و لا- یزنوا، و لا یقتلوا، و لا یهتکوا حریماً محرماً، و لا یسبوا مسلماً، و لا یهجموا منزلاً، و لا یضربوا
أحداً إلا- بالحق، و لا- یركبوا الخیل الهمالیج، و لا- یتمنطقوا بالذهب، و لا- یلبسوا الخز، و لا- یلبسوا الحریر، و لا یلبسوا النعال
الصدیره، و لا یخربوا مسجداً، و لا یقطعوا طریقا، و لا یظلموا یتیمًا، و لا یخیفوا سبیلاً، و لا یختسبوا مکرًا، و لا یأکلوا مال الیتیم،
و لا یفسقوا بؤلام، و لا یشرّبوا الخمر، و لا یخونوا أمانه، و لا یخلفوا العهد، و لا یحبسوا طعاماً من برّ أو شعیر، و لا یقتلوا مستأمنًا،
و لا- یتبعوا منهنّ ماءً، و لا- یشیفکوا دماً، و لا یجهّزوا علی جریح، و یلبسون الخشن من الثیاب، و یوسدون التراب علی الخدود و
یأکلون الشعیر، و یرضون بالقلیل، و یجاهدون فی الله حقّ جهاده،

ص: ۴۸

این گونه یاران امام مهدی علیه السلام با ایشان بیعت می کنند:

دزدی و سرقت نکنند، مرتکب زنا نشوند، کسی را نکشند، حریم شخص محترمی را هتک نکنند، مسلمانی را سب و دشنام ندهند، به منزلی هجوم نبرند، کسی را جز به حق کتک نزنند، بر اسب و حیوانات ضعیف سوار نشوند، خود را به طلا نیارایند، لباس خز نپوشند، حریر نیز نپوشند، کفش باصدا به پا نکنند، مسجدی را خراب نکنند، راه را بر کسی نبندند، به یتیم ظلم نکنند، راه ها را نا امن نکنند، مکر و حيله نمایند، مال یتیم را به ناحق نخورند، با پسر بچه فساد نکنند، شراب نخورند، در امانت خیانت نکنند، در عهد و پیمان تخلف نکنند، طعامی را احتکار نکنند، چه گندم یا جو، کسی را که به پناه آمده نکشند، شکست خورده و فراری را دنبال نکنند، به خون ریزی پردازند و خونی را به ناحق نریزند، بر مجروح حمله نکنند، لباس خشن بپوشند، خاک را متکای خود قرار دهند، غذای خود را نان جو قرار بدهند، به کم راضی و قانع باشند، در راه خدا آنطور که شایسته است جهاد کنند، بوی خوش استعمال کنند، از نجاست و پلیدی اجتناب نمایند...».

ص: ۴۹

۱- ۴۷. الملاحم و الفتن، سید بن طاووس، ص ۱۵۴؛ جامع احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۵۵؛ منتخب الاثر، فصل ۲، باب

اگرچه کلام و بیان پیامبر و امام معصوم علیهم السلام نور است و موجب احیای قلوب دل مردگان می باشد و خود شنیدن و خواندن و دیدن آن هم مؤثر و احیاگر است؛ لکن چون اغلب مخاطبان این جزوه با زبان عربی آشنایی لازم را ندارند، بهتر دیدیم در این قسمت به شرح و توضیح مختصر هر کدام از موارد این بیعت نامه بپردازیم.

البته با نگاهی اجمالی به بندهای بیعت نامه معلوم می شود که بیشتر مواد آن را معاصی و منکرات تشکیل می دهد؛ یعنی این کار را نکنند، آن کار را نکنند؛ شاید مراد این باشد که هر فردی اگر از گناه و معصیت دور باشد و قلب خود را صاف نماید، دلش خود به خود برای جلب و جذب نور و ایمان و رحمت پروردگار آماده می شود و زحمت چندانی نخواهد داشت؛ چون آنچه که قلب انسان را تاریک و او را از خداند متعال دور می کند، گناه است.

به هر حال سعی می شود در این جزوه، چنانچه به آیه قرآن و حدیثی در مورد مطالب عهدنامه دست یابیم، فقط برخی از آن ها را آدرس و یا تذکر دهیم و مطالعه مفصل و همه جانبه آن را به کتاب های مرجع که از بزرگان دین به ما ارث رسیده، ارجاع دهیم.

«يَبَايَعُونَ عَلِيَّ أَلَا يَسْرِقُوا»

یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که سرقت و دزدی نکنند. زیرا اموال هر کسی برای خودش محترم بوده، کسی حقّ تعرض به آن را ندارد. حرمت و احترام مال دیگران؛ چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در دین اسلام به حدی است که رعایت آن در این بیعت نامه به عنوان اولین بند آن گوشزد شده و بر آن تعهد گرفته شده است.

همان طور که خود انسان محترم است، هر چه را هم که مربوط به او می باشد نیز محترم است؛ از آبرو، ناموس و مال و غیره؛ به گونه ای که در حدیث وارد شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«مَنْ قَتَلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ»؛^(۱)

«هر که در راه حفظ مال خود کشته شود بمانند شهید است».

البته در ادامه نیز فرموده اند که اگر من باشم آن را رها می کنم.

اگر جامعه ای می خواهد جامعه مهدوی باشد، باید همه انواع دزدی و مال مردم خوری به ناحق برچیده شود؛ دزدی تنها به این نیست که فردی از دیوار کسی بالا برود، یا مخفیانه مال کسی را بردارد، یا کیف دیگری را برباید؛ بلکه آن کسی هم که به زور و تزویر از کسی ربا می گیرد دزد است؛ کسی که با مکر و حيله مال مردم را حیف و میل

ص: ۵۱

۱- ۴۸. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۱.

می کند و یا بالا- می کشد هم دزد است؛ آن که کلاهبرداری می کند هر چند در قالب قانونی و علنی، دزد است؛ آن که جنسی را چند برابر گران تر می فروشد دزد است؛ کسی که جنس مورد نیاز مردم را احتکار می کند نیز دزد است؛ هر چند او را دزد نخوانند؛ که هر کدام به نوعی مال دیگران را به ناحق تصاحب می کند در صورتی که این مال حرمت خاصی در دین مقدس اسلام دارد.

لذا هیچ کسی حق ندارد به مال دیگران دست درازی کند و اگر کسی مرتکب آن شد، با جمع شدن همه شرایط آن، دست او باید قطع شود؛ چنان که آیه شریف می فرماید:

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۱)

«دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.»

ص: ۵۲

«و لا یزنوا»

یاران حضرت مهدی علیه السلام با ایشان بیعت می کنند که مرتکب خلاف و زنا نشوند. زنا به عنوان افحش الفواحش؛ یکی از بزرگ ترین و بدترین موارد گناه و فحشا است. گناه و زشتی این عمل آنقدر زیاد است که قباحت آن به لفظ «زنا» نیز سرایت نموده و بیان آن هم موجب شرم ساری است و من به خدا پناه می برم از این که این لفظ را بر زبان جاری کنم و یا از قلم بر کاغذ، ساری نمایم، و باید به خدا پناه برد از شرّ شیطان!

این عمل خلاف و شنیع گناهی نیست که بخواهیم در مورد آن توضیح دهیم. مفسد دنیوی و عواقب اخروی این گناه، برای همه معلوم است، چه آثار فردی و چه آثار اجتماعی و خانوادگی آن؛ مطابق حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، جهنمیان از بوی تعفن چنین افرادی در عذاب خواهند بود.

کسی که ادعای انتظار و امید یاری امام زمان علیه السلام را دارد؛ حتی به طرف چنین گناهی هم نزدیک نمی شود؛ چنان که آیه شریفه می فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»؛ (۱)

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!»

روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

زناکار در حالی که زنا می کند مؤمن نیست و دزد هم در حالی

ص: ۵۳

که دزدی می کند مؤمن نیست؛ چون این گونه افراد وقتی به چنین عملی دست می زنند ایمان از وجودشان کنده می شود؛ آن طور که پیراهن از تن کنده می شود. (۱)

یعنی در آن حال، کافر و مشرک است که خود از بزرگ ترین گناهان کبیره می باشد.

امام باقر علیه السلام فرموده است:

«مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِفَّةٍ بَطْنٍ وَفَرْجٍ»؛ (۲)

هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از عفت شکم و عورت نیست.

حال اگر کسی مرتکب چنین گناه بزرگی شد، باید مجازات شود که طبق آیه شریفه، مکافات او چنین است:

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَمَّا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَا عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۳)

«هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!»

البته این حکم مخصوص افراد مجرد می باشد؛ یعنی اگر کسی دارای همسری باشد که می تواند از او استفاده و استمتاع کند؛ ولی با این

ص: ۵۴

۱- ۵۱. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ۱۱۹؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷.

۲- ۵۲. اصول کافی، باب العفه، ج ۴، ص ۲۴۲.

۳- ۵۳. سوره نور، آیه ۲.

حال مرتکب زنا شود، حکم او اعدام (رجم و سنگسار) خواهد بود.

به هر حال این گناه مجازات مختلفی دارد؛ از جمله: سنگسار، تازیانه، تراشیدن سر، تبعید، اعدام، پنجاه تا هفتاد و پنج ضربه شلاق، که در هر مورد بسته به نوع و شخص آن با حکم قاضی خواهد بود.

دو نکته قابل توجه:

نکته اول: در مورد کلمه «زنا» این است که گاه به نگاه نامحرم نیز زنا گفته می شود؛ یعنی یکی از گناهان چشم، زناست و آن موقعی است که نگاه آلوده و شیطانی به نامحرم کند و چشم چرانی نماید؛ چنان که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که نگاه به نامحرم تیری زهر آلود از تیرهای شیطان است که انسان را به دام می اندازد:

«النظر سهم من سهام ابلیس»؛^(۱)

و از عیسی علیه السلام نقل است که فرموده:

«ایاکم و النظره فانها تزرع فی القلوب الشهوه و کفی بها لصاحبه فتنه»؛^(۲)

پرهیزید حتی از یک نگاه نامحرم که تخم شهوت در دل می کارد، و همین برای فتنه صاحب آن کافی است.

نکته دوم: این که چرا به این گناه بزرگ و بسیار زشت در این عهدنامه اشاره شده است، شاید به این جهت باشد که خدای ناکرده و پناه بر خدا، در مواردی از زمان ها و یا مکان ها و یا دوره ای از آخرالزمان خواهد رسید که این گناه شایع شده، آن را سبک بشمرند و افراد زیادی به آن آلوده شوند!

ص: ۵۵

۱- ۵۴. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۲- ۵۵. گفتار انبیا، ص ۳۰۸.

«و لا یقتلوا»

یاران مهدی صاحب الزمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که کسی را به قتل نرسانند. البته واضح است که مراد از این کشتن، قتل به ناحق و قتل نفس محترم است، و مراد از آن، کشتن در جنگ و جهاد و یا کشتن قاتل به عنوان قصاص نیست؛ (۱) یعنی کسی که احترام جانش را خود از بین برده است، دیگری هم برای جان او احترام قائل نیست.

یکی از گناهان کبیره که خداوند به انجام دهنده آن وعده عذاب داده است، قتل نفس محترم است؛ یعنی کسی را به ناحق کشتن.

بنابراین اگر کسی مرتکب قتل فردی شد، باید کشته شود، آیه کریمه می فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ - وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ (۲)

و کسی را که خداوند خونش را محترم شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است!

ص: ۵۶

۱- ۵۶. که از جمله آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره و آیه ۴۵ سوره مائده به آن اشاره دارد.

۲- ۵۷. سوره اسراء، آیه ۳۳.

و در آیه دیگر هم به حرمت و هم به مجازات اخروی قتل عمدی اشاره دارد:

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»؛ (۱)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

البته همان طور که از این چند آیه هم معلوم شد، قتل دارای انواعی است؛ مثل قتل عمدی، غیر عمدی، شبه عمد، خطایی و ... که هر کدام قانون و مقررات و شرایط و مجازات مربوط به خود را دارد که این جزوه گنجایش بحث از آن را ندارد.

ص: ۵۷

«و لا يهتكوا حریماً محرماً»

اصحاب امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که حرمت شخص محترمی را هتک نکنند.

بنا به اصطلاح جدید، ترور گاه فیزیکی است و زمانی شخصیتی، ترور فیزیکی به این است که فردی را با سلاح گرم یا سرد از پای درآورند و او را بکشند؛ اما در ترور شخصیت، از اسلحه و عمل فیزیکی استفاده نمی شود؛ بلکه با زبان و سخن چینی و عیب جوایی و توطئه و شایعه، کاری می کنند که حرمت و آبرو و حیثیت فردی لکه دار، یا شخصیت او از احترام بیفتد.

دستور اکید اسلامی این است که نباید حرمت کسی هتک شود؛ چه مسلمان چه غیر مسلمان، آبرو و حیثیت هر فردی محترم است و اگر کسی آن را رعایت نکند، مرتکب گناه کبیره شده است.

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ (۱)

«و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند.

چون آبروی مؤمن همانند خون او محترم است، و از کعبه هم احترام بیشتری است.

ص: ۵۸

هتک حرمت و آبروی دیگران را بردن، گاه به جهت مسائل اجتماعی یا سیاسی، بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد و ممکن است زیاد هم اتفاق بیفتد. دو یا چند نفر رقیب که می‌خواهند مقامی را به دست بیاورند، یا دوست دارند موقعیتی را کسب کنند، یا در انتخابات شرکت کنند و خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهند، گاه برای این که رقیب خود را شکست دهند، به شایعه‌سازی و دروغ و تهمت و افترا و ترور شخصیت روی می‌آورند؛ یعنی آبروی یک فرد مسلمان محترم را در سطح یک منطقه یا استان و یا در کل کشور و جامعه ضایع می‌کنند که این از همه مهم‌تر و گناه آن هم از همه بیشتر و سنگین‌تر است.

«و لا یسُبُّوا مُسْلِماً» (۱)

منتظران ظهور قائم آل محمد علیهم السلام تعهد می دهند و بیعت می کنند که مسلمانی را سب و فحش و دشنام ندهند.

فحش و دشنام، گفتار رکیک و نامربوطی است که هیچ زبان پاک و هیچ دهان طاهری خود را به آن آلوده نمی کند، کاری است بسیار بیهوده که هیچ نفعی ندارد جز ضرر برای گوینده و شنونده که فردی با وسوسه و مکر شیطان، رذالت خودش را آشکار می کند.

منشأ هر گونه فحش و دشنام و هرزه گویی و بدزبانی، خباثت نفس و دنائت طبع است. (۲)

خداوند متعال در آیه شریفه می فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (۳)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آن ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آن ها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد).

ص: ۶۰

۱- ۶۰. این بند با دو نسخه ثبت شده: یکی «لا یسبُّوا» و یکی «لا یسبُّوا».

۲- ۶۱. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳.

۳- ۶۲. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

وقتی می فرماید که به بت، فحش و دشنام ندهید، معلوم می شود که حرمت انسان چقدر است، چه رسد به انسان مسلمان و مؤمن. (۱)

همان طور که گفته شد، فحش دادن فقط خبثت درونی خود فرد را عیان می کند و معلوم می شود که خود این فرد مشکل دارد، به همین جهت آن را یکی از گناهان کبیره شمرده اند.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است:

بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیایی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه به او گویند، چنین کسی را اگر تفتیش کنی از احوال او، یا ولد الزناست یا شیطان در نطفه او شریک شده است. (۲)

همچنین نقل شده که فرمودند:

اهل دوزخ از دست چهار گروه در عذابند، یکی از آنان کسی است که پیوسته از دهانش چرک جاری است و این فردی است که در دنیا فحش گو بوده است. (۳)

ص: ۶۱

۱- ۶۳. البته بسیار واضح است که بت و بت پرست، هیچ احترام و حرمتی ندارد، لکن با این بیان می خواهد ریشه چنین عملی را بر کند تا کسی زبان خود را به کلمات ناشایست، آلوده نکند.

۲- ۶۴. حلیه المتقین، ص ۴۸۸.

۳- ۶۵. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳.

«و لا يهجموا منزلاً»

یاران امام زمان علیه السلام متعهد می شوند که به منزل کسی بدون جهت هجوم نبرند؛ چرا که حریم خصوصی و چهار دیواری هر کسی؛ یعنی خانه شخصی هر فردی، جایی است که وقتی خود و خانواده اش وارد آنجا می شوند، از هر لحاظ احساس آرامش، آسایش و آزادی می کنند، و این آرامش و آزادی در خانه تا موقعی که موجب تعارض با آزادی و آسایش سایر افراد جامعه و همسایگان نشود، باید برای همه محترم بوده، کسی حق عبور به حریم خصوصی و شخصی دیگری را نداشته باشد. شرع و قانون نیز این حق را به رسمیت شناخته، و از ورود افراد به خانه دیگران بدون اجازه صاحب خانه، منع کرده است.

البته ورود و هجوم به خانه دیگران نیز می تواند به گونه های متفاوتی باشد، گاه علنی است و گاه مخفی؛ گاهی به صورت دزدی و غارت است و گاهی برای آزار و اذیت؛ گاه از دیوار کسی بالا می روند و گاه ایجاد مزاحمت می کنند؛ گاهی برای نا امن کردن محیط خانه و خانواده است؛ و گاهی نیز عنوان غضب پیدا می کند، یعنی ممکن است کسی به زور و حيله و کلک بیاید و صاحب خانه را از خانه و یا از قسمتی از خانه بیرون کند و خود در جای او بنشیند و آن را اشغال نماید. تمام انواع و اشکالی که ذکر شد همه حرام و غیر مجاز است.

برای ورود به خانه هر کسی حتی نزدیکان و خویشان، ادب و آداب مخصوصی دارد که باید رعایت شود.

مثلاً در یکی از آیات شریفه قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید. * و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

مگر در موردی که بر اساس قانون و حکم دادگاه صالح، ضرورتی ایجاب کند.

ص: ۶۳

«و لا یضربوا أحداً إلاّ بالحقّ»

آزار و اذیت دیگران، چه با زدن آنان و یا به گونه ای دیگر، کاری غیر انسانی و مذموم است. زدن با دست یا چوب یا هر چیز دیگری، اگر بدون جهت شرعی باشد، در حرمت آن هیچ شکی نیست و هیچ طایفه و فرقه ای از بنی آدم زدن کسی را تجویز نکرده و نمی کند. (۱) در اخبار و روایات نیز از این عمل ناجوانمردانه نهی شده؛ مثلاً فرمودند: هر که مردی را تازیانه زند، حقّ تعالی او را تازیانه از آتش خواهد زد. (۲)

البته این رسم برخی از ناجوانمردان و افراد هرزه بعضی از محله هاست که گاه تک نفره یا چند نفره، بی جهت و بدون هیچ گونه دلیل و علتی، به فرد یا افرادی اذیت و آزار می رسانند. گاه فقط برای سرگرمی و یا شوخی و خنده، ممکن است فردی را دوره کرده، او را کتک بزنند، کسی را مظلوم بینند و به او ظلم کنند، یکی را غریب بیابند و او را بترسانند. که این گونه اعمال از حدّ انسانی خارج بوده، هیچ غیرتمندی آن را نمی پذیرد.

به هر حال، یار و یاور امام زمان علیه السلام - او که قرار است بیاید تا ظلم و ستم را ریشه کن نماید و عدالت را در همه جا جاری فرماید - از چنین رفتاری به دور است و بیعت می کند که به کسی آزار و اذیت نرساند و یا کسی را کتک نزند که گناهی کبیره است و مجازات شدید دارد.

ص: ۶۴

۱- ۶۷. به غیر از رژیم نژادپرست قدس که براساس دستور صهیونیسم، اشغال و ویرانی خانه و کاشانه مردم مظلوم و مسلمان را و آزار و اذیت اهالی آن را جایز می شمرند!

۲- ۶۸. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳.

«و لا یرکبوا الخیل الهمالیج»

یکی از موارد بیعت نامه یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت این است که بر حیوان لاغر و ضعیف سوار نشوند و بیش از طاقت شان، از آن ها کار نکشند.

ملاحظه همین یک حکم و دستور کافی است که عمق توجه شرع مقدس اسلام به جایگاه حقوق بشر و حیوان را برای تمام جهانیان آشکار کند. در قرنی که به نام حقوق بشر، انواع ظلم و جنایات را بر ملت های مستضعف و مظلوم روا می دارند، به نام آزادی بشر، انواع جنگ ها و جنایت ها را بر بشر جایز می شمردند، به جایگاه والای احکام مترقی اسلام پی می بریم که نه تنها حقوق تمام انسان ها را محترم می داند (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) بلکه حقوق حیوانات را هم متذکر می شود؛ حتی حقوق نباتات، از درخت و گیاه و محیط زیست را هم به بهترین وجه بیان می کند و آن را تحت حمایت خود می داند. مثلاً برای کاشتن یک درخت، چه ثواب ها، و برای قطع درخت، چه توبیخ ها بر می شمرد و یا در رفتار و برخورد با حیوانات، به خصوص حیوانات اهلی احکام خاصی برای انسان بیان کرده است. به همین جهت یاران صاحب الزمان علیه السلام با ایشان بیعت می کنند که در استفاده از حیوانات، رعایت حال آنان را بکنند، بر حیوان لاغر و ضعیف؛ چه اسب و چه غیر آن سوار نشوند، بار اضافی بر آن حمل نکنند، به آب و غذا و استراحت آن نیز اهمیت بدهند.^(۱)

ص: ۶۵

«و لا یتمنطقوا بالذهب»

یقیناً تمام احکام خداوند؛ چه اوامر و چه نواهی آن مطابق با مصالح و مفاسد واقعی و حکمتی است که در آن کارها و اعمال وجود دارد، چه ما برخی از آن مصالح را بدانیم یا ندانیم، بعضی از حکمت های آن ها را درک کنیم یا نکنیم، اگرچه ممکن است بر اثر پیشرفت علوم و تکنولوژی یا تحقیقات پزشکی، برخی از این حکمت ها، بعد از قرن ها برای بشر آشکار شده باشد که مثلاً فلان موضوع این مفسده و ضرر را دارد که حرام شده و یا فلان حکم به این سبب واجب شده که دارای این مصلحت و فایده بوده است؛ لکن علت واقعی احکام، این گونه برای بشر معلوم نخواهد شد؛ مگر این که خود شارع و یا معصوم بفمایند.

استعمال طلا برای مرد نیز از این نمونه است، هر چند ممکن است برای استفاده آن برای مردها مضراتی را بگویند، لکن به هر حال، حکم اسلام این است که آرایش مرد به طلا و استعمال آن برای وی حرام است و نماز هم با آن باطل می باشد.

نه تنها استفاده و آرایش به طلا، بلکه پوشیدن لباس طلا باف هم برای مرد حرام است، وضو گرفتن در ظرفی که از طلا ساخته شده نیز صحیح نیست، غذا خوردن و آشامیدن از ظرف طلا نیز حرام است.

یکی از مسائل مطرح شده در رساله عملیه چنین است:

خوردن و آشامیدن از ظرف طلا- و نقره و استعمال آن ها حرام است، ولی استعمال آن ها در زینت اتاق حرام نیست و نگاه داشتن نیز حرام نمی باشد. (۱)

بنابراین کسی که منتظر امام زمان علیه السلام است و می خواهد دست بیعت به آن حضرت بدهد، نباید لباسش و یا در دستش و یا به گردنش طلا باشد و یا کمر بندش از طلا باشد و خود را با آن بیاراید؛ لذا با دوری از این کار، التزام و بیعت عملی خود را به اسلام و مهدی موعود علیه السلام به نمایش می گذارد.

ص: ۶۷

۱- ۷۰. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۲۶.

«و لا یلبسوا الخَزَّ، و لا یلبسوا الحریر»

استفاده از نعمت های خدادادی و آشکار نمودن نعمت، از جمله پوشیدن لباس خوب و تمیز و نو و زینت دادن خود، ستودنی و مستحب است. (۱) لکن موضوع پوشش لباس، رنگ لباس، جنس لباس، نحوه پوشش، بلندی و کوتاهی آن، نازکی و ضخامت آن، همه و همه از مواردی است که هر کدام دارای پیام و مفهوم خاصی است که هم نشان دهنده هویت و شخصیت فرد است و از همه مهم تر نشانه عقیده و فکر اوست. رنگ و جنس و نحوه پوشیدن یک لباس و یا نوشته روی آن، ممکن است بیانگر طرز تفکر خاصی یا القای شعار و یا تأیید گروهی و اعتراض به مذهب دیگری باشد. به هر حال لباس، در حدّ خودش نوعی پرچم است که همیشه بر افراشته می باشد و در مقابل دید همگان قرار دارد.

یک فرد مسلمان که عقیده به خدا دارد، پیرو امامان معصوم علیهم السلام و مقلد احکام اسلامی است، نمی تواند هر گونه لباس که در جامعه وجود دارد را بپوشد، از هر جنسی استفاده کند، از هر رنگی در هر رده سنی بپوشد؛ بلکه هر کدام از آن ها اقتضائاتی دارد. رنگ لباس یک فرد

ص: ۶۸

۱- ۷۱. مرحوم علامه مجلسی اولین باب کتاب حلیه المتقین را به موضوع آداب لباس و کفش اختصاص داده که خواننده محترم را به مطالعه آن دعوت می کنیم. در این باب به مطالب متنوعی اشاره شده؛ از جمله: فضیلت تجلیل و زینت کردن، لباس های حرام، رنگ لباس، آداب لباس پوشیدن، لباس مخصوص زنان و کافران، آداب لباس نو دوختن و نو پوشیدن.

کهنسال با جوان و کودک فرق می‌کند، همان‌طور که جنس لباس زن و مرد با هم یکی نیست. به همین جهت در شرع مقدّس اسلام نیز مقرراتی وجود دارد.

یکی از محرمات برای مردان، پوشیدن لباس حریر و طلا باف است و اگر کسی با چنین لباسی نماز بخواند نمازش نیز باطل است. تقریباً تمام مراجع تقلید در رساله‌های عملیه خود به این موضوع اشاره و حکم آن را بیان فرموده‌اند که در اینجا یک مسئله از رساله امام خمینی (ره) که تقریباً مشترک بین همه توضیح المسائل مراجع است را ذکر می‌کنیم:

مسئله ۸۳۴: لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، و در چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد.

با سند معتبر نقل شده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی! انگشتر طلا در دست مکن که زینت توست در بهشت، جامه حریر مپوش که آن پوشش توست در بهشت.

و در حدیث دیگر فرمود: جامه حریر مپوش که حق تعالی به سبب این در قیامت پوستت را به آتش می‌سوزاند. (۱)

ص: ۶۹

کفش صدادار به پا نکردن

«و لا یلبسوا النعال الصّاره»

در عبارت این بند از بیعت نامه می فرماید یاران امام زمان علیه السلام بیعت می کنند که نعلین و کفش «صراره» به پا نکنند، در توضیح این صراره گفته شده:

«هی التي لها صریر؛ ای صوت اذا مشی الانسان فیها، و ینسب الیها ابوالقاسم بکر بن الفضل بن موسی النعالی الصراری روی عن مقدم بن داوود»؛^(۱)

نوعی نعلین و کفش بوده که هرگاه انسان با آن راه می رفت، صدایی از آن بلند می شد، از مقدم بن داوود نقل شده که این نسبت و نام را ابوالقاسم بکر بن فضل بن موسی نعال صراری داده است.

در یکی از آیات قرآن کریم در این زمینه آمده است:

«... وَلَا یضربنَ بأرجلهنَّ لیعلمَ ما یخفینَ من زینتھنَّ وتوبوا إلی اللّٰهِ جمیعاً آیة المؤمنونَ لعلکم تفلحونَ»؛^(۲)

... و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

در زمان قدیم چنان بوده و برخی با آن نعل و کفش که صدا می کرده، راه می رفتند، اکنون نیز نوع دیگری با ویژگی های دیگری و حتی

ص: ۷۰

۱- ۷۳. تهذیب الانساب، ابن اثیر جزری، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- ۷۴. سوره نور، آیه ۳۱.

صدای بیشتری، ولی با همان هدف و انگیزه وجود دارد، کفش پاشنه دار بزرگ و با صدای بلند که گاه از چندین متری، صدای آژیر آن به گوش می رسد؛ خصوصاً برای خانم ها که بیشتر برای جلب توجه و اعلان حضور چنین می کنند. این گونه اعمال و رفتار، بر خلاف تعهد و پیمانی است که هر مسلمانی با امام زمان علیه السلام بسته است.

ص: ۷۱

مسجدی را خراب نکردن (۱) «و لا یخرُبُوا مَسْجِدًا»

مسجد خانه خداوند متعال و محل عبادت بندگان خداست. (۲) مسجد به جهت انتساب به خداوند و نیز انجام مراسم عبادی و معنوی، از تقدس خاصی برخوردار است و دارای آداب و ارزش فراوانی است که هر کسی وظیفه دارد آن را رعایت کند، طهارت آن را پاس دارد، از نجاست آن جلوگیری و در صورت وقوع، سریعاً نسبت به طهارت آن اقدام نماید.

عمران و آبادانی مسجد و خرابی آن، دو عنوانی است که در رابطه با مسجد مطرح است و در مقابل هم قرار دارند، در مورد آبادانی مسجد آیه شریفه می فرماید:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»؛ (۳)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را پردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

ص: ۷۲

۱- ۷۵. این بند از بیعت نامه به دو گونه ثبت شده: در یک نسخه «لا یخرجوا مسجداً» می باشد به این معنا که در مسجد، شورش و خروج و قیام نکنند و در نسخه دیگر، «لا یخرّبوا مسجداً» است، به این معنا که مسجدی را خراب نکنند.

۲- ۷۶. وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ سوره جن، آیه ۱۸؛ و نیز آیه ۲۹ سوره اعراف.

۳- ۷۷. سوره توبه، آیه ۱۸.

از این که از آبادانی مسجد به ایمان و عبادت و نماز و حضور در مسجد نام می برد، معلوم می شود خرابی مسجد نیز به سبب عواملی است که در مقابل این اعمال قرار دارد؛ یعنی بی ایمانی، عدم حضور در مسجد، رها کردن و عدم اهمیت به مسجد، خالی گذاشتن آن و کم رنگ کردن نقش مسجد در زندگی اجتماعی، موجب خرابی مسجد می شود. لذا آیه دیگری از قرآن کریم می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَيِّعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (۱)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن ها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون های عبادت) شوند. بهره آن ها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!!

ظالم ترین و ستم کارترین افراد، کسی است که از ذکر خدا در مسجد جلوگیری می نماید.

و چه تعبیر جالبی از امام خمینی (ره) که می فرمود: مسجدها سنگر است، باید سنگرها را پر کرد. اگر سنگر خالی شود، دشمن از همان نقطه نفوذ خواهد کرد.

بنابراین یار امام زمان علیه السلام این سنگر را حفظ خواهد کرد، بر آبادی

ص: ۷۳

و عمران و نقش محوری آن می افزاید، از خرابی و خالی کردن آن جلوگیری می کند، و برای ساختن مساجد دریغ نمی ورزد و مسجد ساخته شده را با مراسم عبادی خود و دیگر مومنان، آباد می کند.

و به همین جهت است که قرآن کریم، مشرکان و کافران را از نزدیک شدن به مسجد منع نموده و آیه شریفه کمی فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»؛ (۱)

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! آن ها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!

ص: ۷۴

«و لا یقطعوا طریقاً»

یکی از نمودهای امنیت اجتماعی که برای فرد فرد افراد جامعه و ادامه زندگی سالم، ضروری و حیاتی است، امنیت راه ها، خیابان ها و جاده ها برای عبور و مرور راحت مردم می باشد.

اگر کسی یا کسانی، راه مسافران و کاروانیان را سد کند و با بستن راه فرار و چاره آنان، دار و ندار آنان را به یغما ببرد، یا آنان را بترساند، اسلام چنین کسی را مجرم نامیده و مجازات سختی برای وی، حتی اعدام و مرگ را پیش بینی کرده است و چنین اعمالی از کسی که خود را مسلمان می داند و یا بالاتر، خود را یاور امام زمان علیه السلام به حساب می آورد بسیار بعید است.

البته بستن راه دیگران می تواند موارد و نمودهای گوناگونی داشته باشد که یکی از آنان بستن فیزیکی راه و جاده است یا جلوی مسافران و عابران را گرفتن است که مزاحمان خیابانی را می توان نام برد.

نوع دیگری از راه بندان ممکن است مانع خیر شدن باشد (۱) که آن هم اقسام زیادی دارد، گاهی کسی تصمیم بر کار خیری می گیرد، دیگری می آید و با یک کلمه او را منصرف می کند، کسی می خواهد به خانواده ای کمک کند، فردی امر به معروف و نهی از منکر نماید، جوانی می خواهد کاری اجتماعی کند، اما کسی می گوید مگر سرت درد می کند؟! تو را چکار به این کارها؟! یعنی از خودش کاری

ص: ۷۵

۱- ۸۰. که در آیات شریفه قرآن به «صدّ عن سبیل اللّٰه» معروف است.

برنمی آید، و یا حسادت می کند، دیگری هم که می خواهد در اجتماع مفید باشد و مشکلی را حل کند، با مانع تراشی و عیب و ایراد، جلوی کار او را می گیرد؛ کسی می خواهد به راه خدا بیاید، به خانه خدا بیاید، می خواهد از گذشته خود توبه کند، رفیقِ بد او مانع می شود، این می خواهد پیش رفت کند، دیگری از روی حسادت، جلوی او سدّ می شود.

به هر حال کسی حقّ ندارد جلوی راه حرکت و پیشرفت دیگری را سد کند و راه خیر او را ببندد.

«و لا یظلموا یتیمًا»

از بدترین ظلم ها و ستم ها، ظلم به یتیم، و ستم به کسی است که سرپرستی ندارد. یتیم یعنی کودک و فرزندی که پدر و مادر یا یکی از آنان را از دست داده و در ظاهر پناهگاهی نداشته باشد.

و در مقابل، بهترین احسان ها و زیباترین کمک ها، یاری دادن به یتیم و دست نوازش بر سر آنان کشیدن است. چنین کاری انسانی ترین کارها و عالی ترین درجه محبت و شفقت نسبت به هم نوع انسان می باشد که دارای ارزش و ثواب بسیار است و هر شخصی باید خود را ملزم به رعایت آن کند تا فرد یتیم به مرحله ای برسد که بتواند روی پای خود بایستد و خود را اداره نماید. احادیث روایت شده از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین در مورد یتیم و یتیم نوازی بسیار زیاد است و به آن تأکید شده که می توان به کتب مربوطه مراجعه کرد.

توجه به یتیم و سرپرستی از آن به قدری مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم، بی توجهی به آن را در حدّ تکذیب روز قیامت می داند و می فرماید:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»؛ (۱)

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند!

ص: ۷۷

و از جمله سفارشات لقمان به پسرش چنین است:

«یا بنی! کن للیتیم کالاب الرحیم»؛^(۱)

ای پسر من نسبت به بچه یتیم همانند پدری مهربان رفتار کن.

ص: ۷۸

۱- ۸۲. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۸.

«و لا يَخِيفُوا سَبِيلًا»

راه مردم و محل عبور و مرور آنان را نا امن نکنند.

مسئله نامنی راه ها و ترساندن مسافران و مانع ایشان شدن، آنقدر مهم است که در این بیعت نامه این دومین بار است که به آن اشاره شده است. به همین جهت مجازات آن هم بسیار شدید است که آیه شریفه قرآن می فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْأٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱)

کیفر آن ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن ها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.

لذا قاطع الطريق یا قَطَّاعُ الطَّرِيقِ؛ یعنی کسانی که شمشیر بکشند یا اسلحه به دست بگیرند و جلوی مردم را سد کنند، هم به مجازات دنیوی می رسند و هم باید منتظر کیفر اخروی آن باشند.

ص: ۷۹

«و لا یحْتَسِبُوا مَكْرًا» (۱)

مکر و حيله؛ یعنی با پنهان کاری و زیرکی، کاری کند که به دیگری ضرر برساند، با خدعه و نیرنگ، اعمالی انجام دهد که دیگران را به غفلت و جهالت اندازد تا از این موقعیت، سوء استفاده کند. مکر و حيله با هیچ کسی خوب نیست به خصوص مکر با مسلمان؛ چرا که با مکر و حيله نمی توان به جایی رسید. (۲)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه چندین حدیث وارد شده که جهت نورانیت مطلب، سه نمونه ذکر می شود. ایشان فرمودند: (۳)

۱ - المکر والخدیعه والخیانه فی النار؛

عاقبت مکر و خدعه و خیانت در آتش است.

۲ - ملعون من ضارّ مؤمناً أو مکرّ به؛

ملعون است کسی که به مؤمنی ضرر برساند و یا با او مکر کند.

۳ - لیس منّا من غشّ مسلماً أو ضرّه أو ما کرّه؛

از ما نیست کسی که با مسلمانی غشّ و دغل کند، یا به او ضرر برساند و یا حيله به کار برد.

ص: ۸۰

۱- ۸۴. در این عنوان نیز اختلاف است: یک جا «لا یحبسوا بکراً» می باشد {نسخه الملاحم و الفتن سید بن طاووس} و در نسخه دیگر؛ یعنی در حیاة الامام مهدی «لا یحتسبوا مکرّاً» است.

۲- ۸۵. البته مکر در جبهه و جنگ با دشمنان موضوع دیگری است که برای پیروزی، می توان از مخفی کاری و سیاست و حيله، آنان را غافلگیر کرد.

۳- ۸۶. نهج الفصاحه، کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله.

«و لا یأکلوا مالَ الیتیم»

از مظلوم ترین و نیازمندترین افراد جامعه، کودکی است که پدر و مادر خود، یا یکی از آنان را از دست داده باشد و نتواند، نه از خود و نه از اموالی که به وی ارث رسیده و متعلق به اوست نگهداری کند.

حمایت از یتیمی که از عقل کاملی برخوردار نیست و به حد بلوغ نرسیده و توان حفاظت از خود را ندارد، از ضروری ترین و انسانی ترین کارهاست. در حمایت و حضانت و سرپرستی از چنین شخصی همه افراد جامعه و حکومت؛ خصوصاً کسانی که به عنوان وصی، ولی، قیم و سرپرست یتیم، معین و انتخاب می شوند نسبت به آن مسؤولیت دارند.

حتی در آیه ای از قرآن به طور مستقیم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب می فرماید:

«فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»؛ (۱)

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن.

نه تنها نباید به یتیم، ظلم و ستم کرد، و از او و اموال و دارایی او سرپرستی و نگهداری کرد، و از دست درازی به آن خودداری نمود؛ بلکه باید او را تحت حمایت خود گرفت تا ناراحتی اش فقط غم از دست دادن پدر و مادر باشد نه چیز دیگری.

خوردن مال یتیم از گناهان کبیره و بزرگی است که خداوند متعال در

ص: ۸۱

قرآن کریم و در آیات متعدد به آن وعده عذاب داده و از آن به خوردن آتش تعبیر نموده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»؛ (۱)

«کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می خورند؛ و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند».

در آیه دیگر تهدید می فرماید که حتی به فکر خوردن مال یتیم و نزدیک شدن به آن هم نباشید:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ...»؛ (۲)

«و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانانه و وزن را بعدالت ادا کنید!...».

یک گناه و دو عقوبت:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

خداوند در خوردن مال یتیم، دو عقوبت قرار داده است: یکی اخروی که آتش است و دیگری دنیوی که دیگران نیز به یتیمان او ستم خواهند کرد؛ چنان که در آیه شریفه آمده:

ص: ۸۲

۱- ۸۸. سوره نساء، آیه ۱۰.

۲- ۸۹. سوره انعام، آیه ۱۵۲؛ همچنین است آیه شریفه ۳۴ سوره اسرا.

«وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّهُ ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ (۱)

«کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند از آینده آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند».

و در جای دیگر ضمن برشمردن هفت گناه کبیره بزرگ، یکی از آن ها را خوردن مال یتیم فرمودند.

خوانندگان محترم توضیحات بیشتر در این باره را می توانند در کتاب گناهان کبیره شهید آیت الله دستغیب مطالعه کنند.

ص: ۸۳

«و لا يَفْسُقُوا بَغْلَامًا»

در این بند از بیعت نامه آمده است: «و لا- یفسقوا بگرام»؛ با هیچ جوانی فساد نکنند. به احتمال زیاد مراد از این گناه، همان همجنس بازی مردان با یکدیگر و لواط است که در هر دوره ای به نحوی شیوع داشته و البته در همه ادیان الهی، حرام بوده و دارای مجازات دنیوی و عقوبت اخروی شدیدی می باشد.

یکی از جوامع گذشته که در انجام این عمل خلاف انسانی و حیوانی معروف بودند، قوم لوط است که خداوند متعال عمل آنان را به شدت تقبیح نموده و آن را نوعی اسراف قلمداد کرده و بالاخره آنان را در همین دنیا مجازات نموده است، آیات شریفه در این زمینه چنین است که می فرماید:

«وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ»؛ «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّشْرِفُونَ»؛ (۱)

«و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید!»

ص: ۸۴

شما که می توانید از راه قانونی و عقلی و شرعی وارد شوید و همسری برای خود انتخاب کنید، چرا بر خلاف طبیعت حرکت می کنید؟!

«أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ»؛ «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»؛ (۱)

«آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی می کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟! و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقاً) شما قوم تجاوزگری هستید!»

حال که چنین کردید و به هشدارهای ما توجه نکردید و تهدیدهای ما را جدی نگرفتید، آماده عذاب باشید که امر ما می آید:

۱ - «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنصُودٍ»؛ (۲)

«و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ [کِل متحجر] متراکم بر روی هم، بر آن ها نازل نمودیم...».

۲ - «ثُمَّ دَمَّرْنَا الْأَخْرِينَ»؛ (۳)

«سپس بقیه را نابود کردیم!»

۳ - «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»؛ (۴)

ص: ۸۵

۱- ۹۲. سوره شعراء، آیه ۱۶۵ و ۱۶۶.

۲- ۹۳. سوره هود، آیه ۸۲.

۳- ۹۴. سوره صافات، آیه ۱۳۶.

۴- ۹۵. سوره اعراف، آیه ۸۴.

«و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آن ها فرستادیم؛ (که آن ها را در هم کوبید و نابود ساخت) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد!»!

در دوران معاصر نیز خصوصاً در کشورهای غربی و غیر اسلامی؛ اگرچه خود را متمدن و پیشرفته می دانند؛ لکن در این زمینه متأسفانه به ارتجاعی ترین اعمال گذشتگان برگشته اند و کاری می کنند که حیوانات هم از آن ابا دارند.

به چند حدیث در این زمینه توجه نمایید:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حرمة الدبر اعظم من حرمة الفرج، انّ الله تعالى اهلك أمة لحرمة الدبر و لم يهلك احداً لحرمة الفرج»؛^(۱)

«حرمت لواط از حرمت زنا بیشتر است؛ چرا که خداوند قومی را به سبب این گناه، هلاک و نابود کرده ام؛ برای زنا چنین نکرده است.»

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«و اتق الزنا و اللواط و هو اشدّ من الزنا (والزنا اشدّ من اللواط) و هما یورثان صاحبهما اثین و سبعین داء فی الدنیا و الاخره»؛^(۲)

«از زنا دوری کنید و نیز از لواط که بدتر از زناست (و زنا نیز بدتر از لواط است)، همانا این دو گناه، هفتاد نوع مرض و عقوبت را برای کننده اش باقی می گذارد، در دنیا و آخرت.»

ص: ۸۶

۱- ۹۶. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲۹؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۷۱.

۲- ۹۷. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۴۹.

گناه لواط آنقدر مهم و کبیره است که حتی بسیاری از مقدمات آن هم به شدت تحریم شده؛ همانند: نگاه شهوتی به جوان و بوسیدن او، خوابیدن دو مرد عریان در زیر یک لحاف، ...

مجازات گناه لواط هم تقریباً سخت تر و شدیدتر از زناست؛ یعنی باید آن دو نفر (فاعل و مفعول) کشته شوند، چه به وسیله شمشیر یا سنگسار کردن و یا زنده زنده در آتش سوزاندن و یا از بالای کوه با دست و پای بسته، پرت کردن.

البته به شرطی که چهار مرد عادل گواهی بدهند یا خودش اقرار کند.

شخص لواط کننده به قوم لوط ملحق می شود؛ حتی جسد او. (۱)

همچنین فاعل نمی تواند بعداً با مادر یا خواهر یا دختر مفعول ازدواج کند؛ بلکه حرام ابدی می شود. (۲)

ص: ۸۷

۱- ۹۸. جلد یک گناهان کبیره شهید دستغیب، داستانی نقل می کند که در زمان امام، بعد از مردن و دفن چنین شخصی، قبر او را شکافتند و او را در قبرش ندیدند و امام فرمود جسد او را هم به قوم لوط ملحق کردند.

۲- ۹۹. از امام رضاعلیه السلام نقل شده است: هر که با پسری لواط کند حدش آن است که یا او را به آتش بسوزانند، یا دیواری بر سرش خراب کنند، یا شمشیری بر آن بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر بر آن مرد حرام می شوند و در قیامت او را به حلق بکشند در کنار جهنم، تا حق تعالی از حساب خلائق فارغ شود، پس او را در آتش اندازند، پس در هر طبقه ای از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا به آخر طبقات جهنم برسد. و لواط بدتر از زناست زیرا که حق تعالی امتی را به زنا هلاک نکرد و به لواط، شهری چند را هلاک کرد. {حلیه المتقین}

«و لا يشربوا الخمر» (۱)

در بین گناهان، کمتر موردی داریم که آیه شریفه قرآن به این صراحت، هم به نجاست و هم به حرمت آن تأکید و هم اشاره ای به فلسفه حکم آن کرده باشد؛ چنان که در موضوع خمر در این آیات، هم می فرماید پلید و نجس است و هم امر می کند که از آن دوری کنید؛ چون این کار موجب کینه و عداوت و دوری از خدا و یاد او می شود. به آیه شریفه توجه کنید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟» (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازلام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن ها دوری کنید تا رستگار شوید! شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟!

ص: ۸۸

۱- ۱۰۰. در این نسخه «لايشربوا الخمر» است و در يك نسخه «لايشربوا مسكراً» می باشد.

۲- ۱۰۱. سوره مائده، آیه ۹۰ و ۹۱.

همچنین در آیه ۲۱۹ سوره بقره به کبیره بودن این گناه تصریح کرده و فرموده:

«...يَسْلُوَنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا...»؛

«درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آن ها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافع (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آن ها از نفعشان بیشتر است...».

آثار سوء بهداشتی و اخلاقی این گناه بسیار فراوان بوده که هم روح و روان انسان و هم جسم و تن او را نابود می کند؛ شراب خواری مادر همه گناهان است؛ چون در حال مستی که عقل او از کار می افتد، ممکن است به هر کاری دست بزند. چه مفاسدی که در بدن به وجود می آورد، چه مضرات اخلاقی که از بدزبانی و بداخلاق، از انواع جنایت ها و هتک حرمت ها، کارهای غیر قانونی و غیر شرعی به هنگام مستی به وجود می آید. (۱)

در این مورد روایات و احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام در نجاست، حرمت و مذمت خوردن و لعن خورنده آن وارد شده که فقط به یک نمونه حدیث از پیامبر خداصلی الله علیه وآله اکتفا می کنیم:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

«لعن الله الخمر و غارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و بايعها و مشتريها و آكل ثمنها و حاملها و المحموله اليه»؛ (۲)

ص: ۸۹

۱- ۱۰۲. در این مورد برای اطلاع از فلسفه و علت حرمت این گناه و آثار و مضرات آن می توانید به طور مفصل در کتاب جلد یک گناهان کبیره شهید آیت الله دستغیب مطالعه کنید.

۲- ۱۰۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۴۲۴.

«خدا لعنت کرده است شراب را، و غرس کننده درخت آن را و سازنده و تهیه کننده آن را و خورنده آن را، و ساقی آن را، و فروشنده آن را، و خریدار آن را، و خورنده پول آن را، و حمل کننده آن را، و آن که شراب برای او حمل می شود را!»!

در برخی دیگر از احادیث آمده است:

شرابخوار به بهشت وارد نمی شود.

به چنین شخصی نباید سلام کرد.

هر که شراب بخورد و تا فاصله چهل روز بعد از آن بمیرد، بت پرست مرده است.

نشستن و غذا خوردن در سفره ای که شراب گذاشتند و یا قرار است بعداً در آن شراب بخورند نیز حرام است.

هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست (۱) و اگر بمیرد و در شکمش از شراب چیزی باشد، بر خدا لازم است که بخوراند به او از چرک شکم زناکاران را که در جهنم جوشانده باشند... (۲).

مراجع تقلید نیز تماماً در رساله های خود این مسئله را بیان کردند و هیچ رساله ای را نخواهید دید که از این حکم خالی باشد:

مسئله: شراب و هر چیزی که انسان را مست کند؛ چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است... .

ص: ۹۰

۱- ۱۰۴. البته که این هم نوعی مجازات است؛ یعنی اولاً وظیفه دارد نماز بخواند، ثانیاً نمازش پذیرفته نخواهد شد، نه این که تا چهل روز نباید نماز بخواند که اگر نخواند باز جریمه و مجازاتش دو برابر می شود.

۲- ۱۰۵. حلیه المتقین و سایر کتب حدیثی.

«و لا یخُونُوا أَمَانَةً»

اگر کسی به دیگری اعتماد کند و چیزی را به رسم امانت به وی بسپارد، باید در حفظ آن بکوشد. امانت داری و خیانت نکردن در آن، یکی از دستورات اسلامی است که یک انسان مسلمان لازم است نسبت به همه رعایت کند؛ چه برای مسلمان و چه برای غیر مسلمان، هیچ استثنایی ندارد، همان طور که در آیه شریفه نیز به آن اشاره شده است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» (۱)

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید! ...

و پیامبر ما نیز حتی از قبل از بعثت و در بین مشرکان، به جهت راستی و درستی کردار و امانت داری، به «محمد امین» معروف بود و هر که؛ حتی مشرکانی که دین و مذهب او را قبول نداشتند نیز هر چیز باارزشی داشتند به وی می سپردند.

آری هر امانتی را باید به صاحب آن بازگرداند، چه امانت مادی و چه معنوی، چه امانت مردم و چه امانت خدا و رسولش و امانت امامت.

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ (۲)

«ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان ها و زمین

ص: ۹۱

۱- ۱۰۶. سوره نسا، آیه ۵۸.

۲- ۱۰۷. سوره احزاب، آیه ۷۲.

و کوه ها عرضه داشتیم، آن ها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را شناخت و به خود ستم کرد)!

و لذا در هیچ امانتی نباید خیانت کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ اتَّمَنَّاكَ وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ» (۲)

امانت داری کن نسبت به آن که با تو امانت داری کرده، و خیانت نکن؛ حتی نسبت به کسی که به تو خیانت کرده است».

و در جای دیگر فرمودند:

«لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ»

کسی که امانت دار نیست ایمان ندارد».

همچنین فرمود:

«المكر والخديعه والخيانة في النار» (۳)

«عاقبت مکر و نیرنگ و خیانت، دخول در آتش است».

ص: ۹۲

۱- ۱۰۸. سوره انفال، آیه ۲۷.

۲- ۱۰۹. نهج الفصاحه کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۳- ۱۱۰. نهج الفصاحه کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله.

یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که به عهد و پیمان ها پایبند باشند و در آن تخلف نکنند.

از این که می گوید با هیچ عهدی مخالفت نکند و هیچ پیمانی را نشکند، معلوم می شود که عهد و پیمان ها، انواع و اقسامی دارد، به این صورت که گاه انسان با مردم عهد و پیمان می بندد، گاه با خودش و گاه نیز با خدای خودش.

عهد انسان با خداوند که مهم ترین عهدها می باشد، همان عهدی است که خدا از انسان ها برای عبادت و پرستش اخذ کرده است:

۱ - «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»؛ (۱)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن ها را برگرفت؛ و آن ها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»!

۲ - «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ

لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ (۱)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! و این که مرا پرستید که راه مستقیم این است؟! راه مستقیم این است؟! راه مستقیم این است!؟

و در آیات متعددی ضمن یادآوری این عهد و پیمان، نقض و شکستن آن را به شدت تَقْبِيح و بر آن وعده عذاب می دهد:

«الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ (۲)

فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکستند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد می کنند؛ این ها زیانکارانند.

انسان گاه با خودش هم عهد می بندد؛ کار خلافی کرده عهد می کند که دیگر آن را انجام ندهد؛ گناهی مرتکب شده با خودش پیمان می بندد که دیگر سراغ آن نرود. در این گونه موارد وجدان این شخص است و خودش و خدایش که چگونه عهد و پیمان خود را پاس بدارد. اگر کسی باشد که از هویت و شخصیت بالا و محکمی برخوردار است حتماً بر سر قول و قرار خود خواهد ایستاد؛ اما اگر فردی سست اراده

ص: ۹۴

۱- ۱۱۲. سوره یس، آیه ۶۰ و ۶۱.

۲- ۱۱۳. سوره بقره، آیه ۲۷ و نیز سوره های مائده، آیه ۱۳؛ رعد، آیه ۲۵؛ نمل، آیه ۹۱؛ اسراء، آیه ۳۴.

باشد، و از ایمان قوی برخوردار نباشد، باکی ندارد که قرار خودش را زیر پا بگذارد.

لکن آنچه که ظاهراً از همه مهم تر است و نمود بیشتری دارد، پیمان شکنی با مردم است؛ آن گاه که با کسی قراری می گذارد باید سر قرار حاضر شود.

هر کسی یا باید وعده ای نگذارد، که اگر وعده داد باید به وعده اش وفا نماید؛ و هر فردی یا باید با کسی عهد و پیمان نبندد که اگر پیمان بست باید بر سر پیمانش بایستد. وعده و عهد و پیمان، یک قرارداد دو طرفه است که باید هر طرف به طرف مقابل خود احترام بگذارد؛ اگر به وعده ها عمل نشود هیچ کسی به دیگری اعتماد نمی کند؛ به هیچ قول و قراری اطمینان نخواهد شد؛ هیچ امیدی به زندگی سالم اجتماعی نخواهد بود؛ کسی نمی داند فردایش چه می شود، ارتباط با دیگران چگونه خواهد شد. به همین جهت فرموده اند همه باید به عهد و پیمان خود پایبند باشند و کسی حقّ خُلف وعده ندارد. آیه شریفه در این زمینه می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...»؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها (و قراردادها) وفا کنید!...

صریحاً امر می نماید که اگر مؤمن هستید به عهد خود وفا کنید و لذا در آیه دیگری وفای به عهد یکی از صفات متقین و پرهیزکاران شمرده

ص: ۹۵

شده است. (۱) و حتی نسبت به دشمنان نیز تأکید شده است. (۲)

در این زمینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱ - «... وَلَا تَوَاعِدْ عَلَىٰ أُخَيْكَ مَوْعِدًا فَتُخْلِفَهُ؛» (۳)

با برادر دینی ات وعده ای نگذار که از آن تخلف کنی».

۲ - «الْعِدَّةُ دَيْنٌ، وَيَلِّ لِمَنْ وَعَدْتُ ثُمَّ أَخْلَفَ، وَيَلِّ لِمَنْ وَعَدْتُ ثُمَّ أَخْلَفَ.» (۴)

وعده نوعی دین و تعهد است، وای بر کسی که وعده دهد و سپس خلف وعده نماید، وای بر کسی که وعده دهد ولی خلف وعده نماید، وای بر کسی که وعده دهد ولی خلف وعده نماید!

۳ - «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ.» (۵)

هرکسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده ای که می دهد عمل نماید.

به این حدیث امام صادق علیه السلام نیز توجه کنید که فرموده است:

«عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخْلَفِ اللَّهِ بِيَدِ أَوْلَمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَذَلِكَ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.» (۶)

وعده دادن مؤمن به برادر ایمانی اش، مانند نذری است که کفار ندارد، هر که خلف وعده کند به تخلف از خدا آغاز

ص: ۹۶

۱- ۱۱۵. سوره بقره، آیه ۱۷۷.

۲- ۱۱۶. سوره انفال، آیه ۷۲؛ و نسا، آیه ۹۰.

۳- ۱۱۷. نهج الفصاحه کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۴- ۱۱۸. همان.

۵- ۱۱۹. اصول کافی، باب خلف وعده، ج ۵، ص ۳۴۸.

۶- ۱۲۰. سوره صف، آیه ۱ و ۲.

کرده و به دشمنی او درآویخته و چنین است سخن خداوند که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید!». (۱)

ص: ۹۷

۱- ۱۲۱. اصول کافی، باب خلف وعده، ج ۵، ص ۳۴۷.

«و لا یَحْسِبُوا طَعَاماً مِنْ بَرٍّ أَوْ شَعِیرٍ»

امنیت غذایی یکی از مهم ترین مؤلفه های هر جامعه ای است. شکم گرسنه را چیزی جز غذای مناسب نمی تواند جواب دهد و هیچ چیزی نمی تواند جایگزین آن شود؛ نه با پول و مقام می توان شکم گرسنه را سیر کرد، و نه با زور و سلاح. مواد غذایی روی زمین هم نه این که محدود باشد بلکه خداوند متعال که روزی رسان همه خلایق، از انسان و حیوان و چرنده و پرنده است،^(۱) برای همه آن ها به اندازه لازم فراهم نموده است؛ لکن در این بین ممکن است برخی افراد پیدا شوند که حق و روزی سایر افراد را مانع شده و انبار و احتکار نمایند که این گناهی بس بزرگ بوده، بلکه اعلان جنگ با خداست.

لذا در یک جامعه انسانی؛ بخصوص اسلامی، هر کسی وظیفه دارد که هم در تولید مواد غذایی تلاش و کوشش کند و هم در توزیع و جلوگیری از احتکار و انبار آن، مردم را از نگرانی و ناامنی غذایی برهانند.

ص: ۹۸

۱- ۱۲۲. وَمَا مِنْ دَاءٍ فِي الْمَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ «هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه این ها در کتاب آشکاری ثبت است! [در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا]؛ سوره هود، آیه ۶.

«و لا يَقْتُلُوا مُسْتَأْمِنًا»

مسئله امان دادن و پناهندگی، یکی از مصادیق عهد و پیمان است که به جهت اهمیت آن به طور مستقل در این بیعت نامه به آن پرداخته شده است. اگر کسی به علت ترس از دشمن یا برای تحقیق و یا هر نوع مشکل دیگری به شما مراجعه و پناه بیاورد، بزرگواری و کرم شما را قبول کرده، به شما اطمینان نموده و خود را در اختیار شما قرار بدهد، شما نیز باید به حسن اعتماد وی پاسخ داده، او را از هر لحاظ در پناه خود بگیرید.

در این مورد آیه شریفه می فرماید:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (۱)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آن ها گروهی ناآگاهند!

این یکی از اصول انسانی و حقوق بشری است که اسلام نیز آن را امضا نموده و بر آن مهر تأیید زده است.

ص: ۹۹

«و لا یَتَّبِعُوا مُنْهَرِمًا»

هر بازی و هر کاری، مقرراتی دارد و دارای ضوابط و قواعد مخصوص به خود است؛ همان طور که صلح و آشتی دارای قانون و مقررات است، جنگ و کشتار هم قواعد خاصی دارد که همه به آن پایبندند؛ مانند نحوه شروع جنگ، زمان و مکان جنگ، محدوده آن، حقوق اسیران و مجروحان، کودکان و زنان،...

در زمان های قدیم به این موارد اهمیت زیادی می دادند؛ یعنی اگرچه مردها با هم جنگ داشتند؛ اما به زنان و کودکان کاری نداشتند، یا اگر در میدان نبرد به رزم و کشتار می پرداختند، اما آن گاه که جنگ پایان می پذیرفت، دیگر شمشیر را کنار می گذاشتند، اگرچه در این زمان و با این سلاح ها و موشک ها و بمب ها، آن قواعد هم به هم خورده و کوچک و بزرگ، و زن و مرد نمی شناسد.

یکی از این قواعد و مقررات در جنگ این است که اگر فردی شکست خورد و پشت به میدان کرد و فرار نمود و از کرده خود پشیمان شد، دیگر به تعقیب او نرود؛ البته پر واضح است که به شرطی که قصد مکر و حيله و یا تجدید قوا و حمله مجدد نداشته باشد.

«سِفْکُ دَمٍ» یعنی خون ریزی کردن؛ در یکی از بندهای این بیعت نامه اشاره شد (۱) که کسی حق ندارد فردی را بی جهت به قتل برساند، در اینجا نیز چنین می فرماید که نباید خونی را بی جهت بریزند و یا خونریزی کنند. ظاهراً مراد از اولی، قتل و کشتن عادی و عمدی و بی دلیل در جامعه است و مقصود از دومی، کشتن و خون ریختن در جنگ می باشد؛ یعنی اگرچه میدان جنگ، جنگ است و بحث کشتن و کشته شدن مطرح است؛ ولی همانجا هم نباید انسان مسلمان به گونه ای رفتار کند که خُلق و خوی خونریزی پیدا کند (۲) و یا از این که کسی را می کشد و خونی را می ریزد لذت ببرد. (۳)

از امام علی علیه السلام نقل شده که در جنگ و هنگام کشتن دشمن، تا چند پشت و نسل او را هم می دید که آیا مسلمان و مؤمنی به وجود خواهد آمد یا نه، آن گاه او را می کشت.

ص: ۱۰۱

۱- ۱۲۴. در عنوان «آدم کشی نکردن» صفحه ۵۶.

۲- ۱۲۵. چنان که فرشتگان خدا هنگام خلقت انسان، یک روی سکه را دیدند و گفتند: «... قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ «... فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! {زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،} ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم». پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید». سوره بقره، آیه ۳۰.

۳- ۱۲۶. و فرشتگان نیز در ابتدای خلقت انسان، همین خوی برخی از افراد را در نظر داشتند که به خداوند عرض کردند: می خواهی کسانی را خلق کنی که خون ریزی می کنند؟ و خدا فرمود خودم بهتر می دانم: «... أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ سوره بقره، آیه ۳۰.

«و لا یَجْهَرُوا عَلٰی جَرِیحٍ»

همان طور که در پیشتر گفته شد (۱) هر کاری از جمله جنگ و مبارزه دارای قانون مخصوص خود است. یکی از مقررات انسانی و اسلامی در جنگ این است که به اسیر نباید ظلم کرد، به مجروح که او هم به نوعی اسیر است نباید آزار و اذیت رساند، کسی که با پیکری نیمه جان در گوشه ای افتاده است، حمله به چنین شخصی از جوانمردی به دور است. و یا اگر دست از حمله برداشتنند و یا توان ندارند، رحم و فتوت و جوانمردی اقتضا می کند که به او حمله نشود.

همان طور که امام علی علیه السلام به فرماندهان و سربازان خود چنین توصیه هایی را می فرمود. (۲)

و یاران امام زمان علیه السلام نیز بیعت می کنند و تعهد می سپارند که از این قانون تبعیت نمایند.

ص: ۱۰۲

۱- ۱۲۷. در عنوان: «شکست خورده را تعقیب نکردن».

۲- ۱۲۸. آغازگر جنگ نباشند، آن گاه که دشمن شکست می خورد به دنبال فراری نروند، به مجروحان حمله نکنند و آن ها را نکشند، وارد خانه ای نشوند، از مال مردم چیزی نگیرند جز آنچه که در لشکرگاه باشد، به زنان متعرض نشوند، کشته ها را مثلثه و قطعه قطعه نکنند، لباس از تن کشته ها در نیاورند و ایشان را لخت و عریان نکنند...؛ اصول کافی، ج ۵، ص ۳۸؛ امالی شیخ مفید، ص ۵۹؛ تحف العقول، ص ۲۹۰، نهج البلاغه، نامه ۱۴؛ غیبت نعمانی؛ الاختصاص، ص ۹۵؛ موسوعه امام علی علیه السلام.

«و يَلْبَسُونَ الْخَشِينَ مِنَ الثِّيَابِ»

برخی از افراد همین که کمی دچار سختی و مشکل می شوند، می گویند امام ظهور کند تا ما راحت شویم و زندگی مرفهی داشته باشیم! فکر می کنند امام که بیایند از همان ابتدا همه چیز آماده است و می گویند بفرمایید! خیر، حضرت که ظهور بفرمایند تازه اوّل جنگ و جهاد است، تازه مبارزه سخت و بی امان شروع می شود، آنقدر باید فداکاری کرد، آنقدر باید سختی کشید، آنقدر باید مرارت چشید که ظالمان و ستمگران سر جایشان بنشینند.

نظیر همین مطلب را یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام معلی بن حُنیس، به گونه دیگری با آن حضرت مطرح کرده و می گوید که به امام عرض کردم: ای کاش حکومت به دست شما می افتاد و ما هم به عیش و نوشی می رسیدیم، امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَيْنَا لَمَا كَانَ إِلَّا أَكْلُ الْجَشِبِ وَ لُبْسُ الْخَشِينِ»؛ (۱)

«به خدا قسم اگر این امر و حکومت به دست ما بود چیزی جز غذای خشک و لباس خشن نبود!»

و نیز در بیانی دیگر مفضل بن عمر می گوید که هنگام طواف در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، حضرت نگاهی به من کردند و فرمودند: چه شده تو را مغموم و رنگ پریده می بینم؟ گفتم: فدایتان شوم! بنی عباس را می بینم با این امکانات و سلطنت و جبروت، کاش این

ص: ۱۰۳

برنامه ها برای شما بود و ما هم در کنار شما بودیم. حضرت فرمودند:

«يَا مُفَضَّلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سَيَّاسَهُ اللَّيْلِ وَسَيَّاحَهُ النَّهَارِ وَأَكْلُ الْجَشِبِ وَلُبْسُ الْخَشَنِ شَبَّهَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَّا فَالْتَّارُ فَرَزِي ذَلِكَ عَنَّا فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ...»؛^(۱)

«ای مفضل! بدان که اگر چنین بود، چیزی جز بیداری در شب، فداکاری در روز، غذای خشک و لباس خشن نبود، همانند زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام که اگر غیر از این باشد آخرش آتش است. امیاً اکنون این امور از ما دور است، خوب می خوریم، و خوب می نوشیم...»^(۲)

به همین جهت و برای آمادگی یاران امام زمان علیه السلام به سختی های زمان ظهور، با ایشان بیعت می شود که خود را از تن پروری و راحت طلبی دور بدانند، و غذای چرب و شیرین و لباس نرم را کنار بگذارند.

ص: ۱۰۴

۱- ۱۳۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

۲- ۱۳۱. شبیه همین حدیث را یکی دیگر از اصحاب به نام عمرو بن شمر نیز نقل کرده است. که امام فرمودند: «لَا تَبْكُ يَا عَمْرُو نَأْكُلُ أَكْثَرَ الطَّيِّبِ وَنَلْبَسُ اللَّيْنِ وَ لَوْ كَانَ الَّذِي تَقُولُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَكْلُ الْجَشِبِ وَ لُبْسُ الْخَشَنِ مِثْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِلَّا فَمَعَالَجَةُ الْأَغْلَالِ فِي النَّارِ»؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

خاک را متکای خود قرار دادن

«و یوسدُونُ التُّرَابَ عَلَی الخُدُودِ»

این که انسان خاک را متکای خود قرار دهد و یا سر خود را روی زمین بگذارد، تعبیر دیگری از ساده زیستی است، و چنانچه بخواهند نهایت سادگی زندگی کسی را و پایین بودن سطح آن را تعبیر کنند، می گویند فلانی خیلی خاکی است.

این خاکی بودن، انسان را به یاد تعبیر رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امیرمؤمنان علیه السلام می اندازد که به جهت زندگی ساده، روی زمین خوابیدن، و زیاد سجده کردن، به آن حضرت لقب «ابو تراب» را دادند. او در حالی به کمترین امکانات قناعت کرد که در همان زمان، دیگرانی مانند معاویه بودند که در کاخ های آن چنانی به زندگی اشرافی می پرداختند.

این که خاک را متکای خود قرار دهد؛ یعنی لازم نیست حتماً روی تشک های گرم و نرم بخوابد، قالی ها و فرش های رنگارنگ ضرورتی ندارد، وقتی انسان می تواند با وسایل ابتدایی و ساده هم، زندگی آرام و بی دردسری داشته باشد چرا خود را و عمر خود را و زندگی و آسایش خود را برای به دست آوردن وسایل مادی زندگی از دست بدهد؟!

یاد بیاوریم فرمایش آن امام عزیز و خمینی بزرگ را که همگان را نصیحت می کرد و می فرمود «زی طلبگی» داشته باشید؛ یعنی همانند یک طلبه ای که تازه از شهر و دیار خود کوچ می کند و به حوزه علمیه وارد می شود، غیر از چند کتاب و یک دست لباس و چند ظرف و گلیم و پتو چیز دیگری ندارد و هیچ تعلقی به دنیا نسپرده است.

و او که خود رهبر میلیون ها مسلمان و آزاده سراسر جهان بود، او که میلیاردها پول و ثروت در اختیارش بود و اگر اراده و اشاره می کرد، جان ها بود که نثارش می شد، پیش از همه و بیش از همه به این نصیحت عمل کرد و زی طلبگی خود را کنار نگذاشت و به حداقل امکانات اکتفا نمود. درود خدا بر او و یادش به خیر باد!

همو که قلمی را بر روی کاغذ لرزاند و هزاران جانِ شهادت طلب را به سوی جبهه ها روان ساخت تا خون خود را پای درخت اسلام عزیز جاری سازند. او که بیانش حکایت گر سیره رسول الله صلی الله علیه و آله بود و رفتارش تصویرگر گفتار ائمه دین علیهم السلام. قلم و بیان آن مدافع راستین اسلام عزیز، ابّتهت دو اَبَر قدرت را تا قیام قیامت شکست. فرهنگ جهاد و شهادت را زنده نمود، نقش خون را از بستر خفته ملت ها بیدار ساخت، و فریاد بلند آزادی ملت ها را سر داد که ای آزادی خواهان جهان! اگر مصلحی در راه است باید خود را آماده ساخت و باید خود را برای حکومت آن عدل مجسم مهیا نمود.

الحق و الانصاف یک منادی امام زمانی بود که خود را برای پا در رکاب بودن آقا آماده ساخت و جامعه اسلامی را از خواب غفلت بیدار کرد و نام عزیز زهرا علیهما السلام را در اذهان زنده ساخت. به امید روزی که مأمومین آن امام، همانند او خودساخته شوند و در رکاب امام عصر علیه السلام قیام نمایند.

«و يَأْكُلُونَ الشَّعِيرَ»

ظاهراً در دوره ای از زمان ها بوده که گندم و آرد و نان گندم، مانند امروز خیلی مرسوم نبوده و طبق نقل تاریخ و بیان گذشتگان، دسترسی و تهیه نان گندم بسیار دشوار بوده است.^(۱) و فقط افراد بالای جامعه می توانستند از آن استفاده کنند و اکثر مردم جامعه، از سطح متوسط به پایین، بیشتر نان جو می خوردند که آن هم ظاهراً سخت و نامرغوب بوده است.

حال در این بند از بیعت نامه تأکید شده که یاران امام زمان علیه السلام باید سطح زندگی و خوراک خود را در سطح متوسط جامعه و پایین تر از آن قرار دهند.

دوستان و یاران حضرت، بیعت می کنند که همانند اکثریت مردم غذا بخورند، نه این که از بهترین غذاهای چرب و شیرین استفاده کنند، در حالی که در همسایگی آنان و در حاشیه شهر و دیار خود، افرادی باشند که به نان شب خود نیز محتاج هستند.

ص: ۱۰۷

۱- ۱۳۲. چنان که از احترام و تقدیس آن که توسط پیشینیان به عمل می آمده نیز معلوم می شود، نه مثل حالا که نان گندم در حدّ وفور و ارزان در دسترس همه می باشد و به همین جهت نیز ناشکری و ناسپاسی زیادی نسبت به آن صورت می گیرد.

«و یرضونَ بِالْقَلِيلِ»

قناعت ضد صفت حرص است؛ یعنی صفت و حالتی از نفس است که باعث اکتفا کردن به قدر حاجت می باشد. قناعت مرکبی است که انسان را به مقصد اصلی می رساند و سعادت ابدی را برای او به ارمغان می آورد؛ زیرا هر که به قدر ضرورت قناعت کرد و دل را مشغول زواید نکند، همیشه فارغ البال می باشد و حواس او جمع است و تحصیل آخرت برایش آسان می شود. (۱)

قناعت گنجی است که پایان ندارد، قناعت موجب راحتی و آسایش دنیاست، قناعت سبب آسان شدن حساب و کتاب آخرت است. چون روایت شده است که مال دنیا به گونه ای است که در حلال آن حساب است و در حرام آن عقاب می باشد؛ یعنی بر فرض هم که حلال باشد باید پای میز حساب و کتاب حاضر شود.

به چند حدیث در این زمینه توجه فرمایید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«علیکم بالقناعته فان القناعته مال لا ینفد»؛

سفارش می کنم شما را به قناعت که آن سرمایه پایان ناپذیر است.

«اذا کان عندک ما یکفیک فلا تطلب ما یطغیک»؛ (۲)

اگر به اندازه کفایت از مال دنیا داری، به دنبال بیشتر آن نرو که دچار طغیان می شوی.

ص: ۱۰۸

۱- ۱۳۳. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۳۰۲.

۲- ۱۳۴. نهج الفصاحه کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِيَّاكَ أَنْ تُطْمَحَ بِصَيْرِكَ إِلَى مَنِ فَوْقَكَ فَكَفَى بِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَلَا تُعْجِبُكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» (۱) وَقَالَ: «وَلَا تَمِدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۲) فَإِنَّ دَخْلَكَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَأَذْكُرْ عَيْشَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّمَا كَانَ قُوَّتُهُ الشَّعِيرَ وَحَلْوَاهُ التَّمْرَ وَوَقُودُهُ السَّعْفَ إِذَا وَجَدَهُ» (۳)

بپرهیز از این که در امور مادی به بالا-تراز خود توجه کنی پس تو را کافی است همین سخن خداوند متعالی که به پیامبرش فرمود: زیادی فرزندان و اموال کافران تو را به تعجب نیندازد.

و نیز فرمود: هرگز چشم خود را به نعمت های (مادی)، که به گروه هایی از آن ها [= کفار] دادیم، میفکن! و به خاطر آنچه آن ها دارند، غمگین مباش!...

و اگر با این حال چیزی در ذهن و خاطره ات وارد شد زندگانی رسول خداصلی الله علیه وآله را به یاد آور که غذایش نان جو و شیرینی اش خرما و زیراندازش حصیر و لیف خرما بود، همان را هم اگر پیدا می کرد».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ» (۴)

ص: ۱۰۹

۱- ۱۳۵. سوره توبه، آیه ۵۵.

۲- ۱۳۶. سوره حجر، آیه ۸۸.

۳- ۱۳۷. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۰.

۴- ۱۳۸. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۲.

«هر که از خدا به اندک معیشتی قناعت کند و راضی شود، خدا هم به اندک عمل از او راضی می شود.

سفارش لقمان به پسرش نیز چنین بوده است:

«یا بنی! کن قنعاً تعیش غنیاً و کن متقیاً تکن عزیزاً»؛^(۱)

ای پسر! قانع باش تا بی نیاز شوی، و متقی و پرهیزکار باش تا عزیز و محترم گردی.

از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«یا معشر الحواریین! ارضوا بَدَنی الدنیا مع سلامه الدین کما رضی اهل الدنیا بَدَنی الدین مع سلامه الدنیا»؛^(۲)

ای گروه انصار من! به کم دنیا راضی باشید همراه با سلامت دیتان؛ همان طور که اهل دنیا به کم دین راضی شدند با سلامت دنیا.

یعنی تا جایی دنبال دنیا بروید که به دیتان لطمه ای وارد نشود؛ چون اگر بیشتر وقت خود را برای بدست آوردن دنیا صرف کنید از عمل به دین باز خواهید ماند؛ همان طور که اهل دنیا تا جایی با دین همراهی می کنند که به دنیایشان ضرری نرسد.

ص: ۱۱۰

۱- ۱۳۹. ارشاد القلوب، ص ۱۱۱.

۲- ۱۴۰. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۳۴.

«وِجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»

هر کاری که برای خدا باشد، آن کار را «لِلَّهِ» و «فِي اللَّهِ» گویند، هر کاری که در مسیر کسب رضایت خداوند باشد آن را «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» گویند. و انسان مسلمان باید تلاش کند که تمام کارهایش برای خدا و در راه خداوند و جهت کسب رضایت او باشد و در این راه کمترین مضایقه را روا ندارد، خصوصاً کسی که منتظر حکومت جهانی اسلامی است، و به ویژه کسی که دوست دارد از اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام باشد، چنین کسی با امام خود پیمان می بندد که نهایت سعی و تلاش خود را در این راه به کار بگیرد؛ «حَقَّ جِهَادِهِ» یعنی آن طور که بایسته و شایسته است به این کار قیام نماید.

بیعت می کنند که: **يَجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ!** «جهاد فی الله» آن هم «حَقَّ جِهَادِهِ» چنان که آیه شریفه فرموده:

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»؛^(۱)

جهاد با «حَقَّ جِهَادِهِ» از اوصاف امامان معصوم است که ما هر روز در زیارت نامه هایشان می خوانیم؛ مثلاً به ایشان عرض می کنیم:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ»؛^(۲)

خدایا این بزرگواران در راه تو از هیچ کوششی دریغ نکردند و آنطور که بایسته و شایسته بود در راه تو جهاد و تلاش نمودند.

ص: ۱۱۱

۱- ۱۴۱. سوره حج، آیه ۷۸.

۲- ۱۴۲. مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام.

از خدا می خواهیم که ما را از کسانی قرار دهد که با امام خود پیمان می بندند نهایت سعی و کوشش خود را در راه خدا انجام دهند؛ یعنی آنجا که قرار است جنگ کنند، بجنگند؛ آنجا که قرار است صلح کنند دست نگه دارند؛ اگر جایی لازم است، سکوت کنند، اگر لازم است فریاد بزنند. آن که کارگر است وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، نیروی نظامی است به تکلیف خود عمل کند، پزشک و روحانی است مردم را از بیماری های جسم و جان نجات دهند. به موقع عبادت خدا کند، دست فقیر را بگیرد، شخص بدهکاری را خلاص کند، افتاده ای را بلند نماید، یتیمی را خوشحال کند، مسجدی را آباد کند، سبب خیر برای دیگران شود....

«وِیْشُمُونَ الطَّیْبَ»

انسان مؤمن نه تنها اخلاق و رفتارش طیب و طاهر است و نه تنها غذایش باید طیب و حلال باشد؛ بلکه ظاهر و بوی او نیز باید طیب باشد، بوی او، عرق او، همه باید خوش و عطری باشد.

همان طور که نقل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که الگوی حسنه و عملی همه انسان ها می باشند،^(۱) در این زمینه نیز بسیار دقت داشتند، و درصد زیادی از هزینه زندگی ایشان صرف خرید عطر و بوی خوش می شد.

البته در قدیم به جای عطر، روغن می مالیدند که هم بوی خوش داشت و هم از خاصیت دارویی و تقویتی برخوردار بود.^(۲)

این دستور اسلامی و قانون خدایی موقعی آثارش نمود پیدا می کند و آشکار می شود که بدانیم یک مسلمان دستور دارد که در هر شبانه روز پنج نوبت نماز بخواند و این عبادت را هم تا حد امکان در مسجد و در کنار سایر مسلمانان و به جماعت انجام دهد. بسیاری از شعائر مذهبی به صورت دسته جمعی و در اجتماع مردم برگزار می شود؛ حضور هفتگی در نماز جمعه، نمازهای میلیونی عید فطر و قربان، و مراسم بزرگ حج، برخی از اجتماعات میلیونی مسلمانان است که اگر در این زمینه قصور شود، هیچ دو نفری نمی توانند در کنار یکدیگر جمع شوند، و از بوی نامطبوع یکدیگر فرار خواهند کرد.

ص: ۱۱۳

۱- ۱۴۳. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲- ۱۴۴. باب ۶ کتاب حلیه المتقین برخی از روغن ها و خاصیت هر کدام را معرفی فرموده است.

لذا يك مسلمان و شيعه امام زمان عليه السلام بايد ظاهري آراسته و با بويي خوش و مطبوع در اجتماع حاضر شود تا ساير مسلمانان كه به او مي رسند، از بوي خوش وي مسرور شوند.

پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله هرگاه مي خواست از منزل بيرون بيايد، خود را آراسته مي كرد، در آينه نگاه مي كرد؛ حتي اگر آينه هم وجود نداشت در آب نگاه مي كرد و اگر بوي خوش و عطري به ايشان تعارف مي كردند، رد نمي فرمود. لذا مستحب است كه اگر بوي خوش و عطر به كسي تعارف كردند، حتماً بپذيرد. [\(۱\)](#)

ص: ۱۱۴

۱- ۱۴۵. معاني الاخبار، ص ۷۸.

«وَيَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ»

نجاست و پلیدی و خباثت یعنی هر آنچه که نفس پاک انسان از آن متنفر و منزجر است. طبع پاک و نفس خدایی انسان اگر سالم بماند، فقط خواهان طیبات و طاهرات است، طبع او با چیزهای طیب و طاهر و پاک موافقت دارد و از نجاست و خباثت به دور است.

به همین جهت کسی که می خواهد یار و یاور امام زمان علیه السلام باشد، باید طبع و نفس او به گونه ای باشد که از هرگونه نجاست و پلیدی و آلودگی به دور باشد؛ چه پلیدی های ظاهری و چه باطنی؛ چه مادی و چه معنوی؛ از لباس نجس و آلوده باید به دور باشد و لباسش طاهر و پاک باشد؛ از غذای پلید و حرام و نجس دور باشد و لقمه اش طیب و طاهر و حلال باشد؛ زبان خود را به کلمات رکیک و ناشایست، آلوده نکند و از دهانش جز ذکر و یاد و تسبیح خدا و سخن خیر بیرون نیاید؛ ذهن خود را از افکار پلید و شیطانی و شهوانی خالی کند، تفکرش سالم باشد، خیالاتش طاهر باشد و حدس و گمان هایش نیز طیب باشد.

همچنان که در آیه شریفه می فرماید:

«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»؛^(۱)

«... از پلیدی های بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید!»

و آیه شریفه دیگر که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«وَتِيَابِكَ فَطَهَّرْهُ* وَالرِّجْزَ فَاهْجُرْ»؛^(۲)

«و لباست را پاک کن، و از پلیدی دوری کن.»

ص: ۱۱۵

۱- ۱۴۶. سوره حج، آیه ۳۰.

۲- ۱۴۷. سوره مدثر، آیه ۴ و ۵.

امر به معروف کردن نهی از منکر نمودن

«و یأمرون بالمعروف، و ینهون عن المنکر»

یعنی به کارهای واجب و خیرات دعوت و امر کردن و از کارهای حرام و ناشایست، باز داشتن و نهی کردن، از مهم ترین واجبات الهی امر بمعروف و نهی از منکر است که در چندین آیه از قرآن کریم به آن اشاره شده است:

۱- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۱)

«باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن ها همان رستگارانند».

و کسی که به خدا ایمان داشته باشد، حتماً به این وظیفه و واجب دینی خود عمل می کند؛ چنان که قرآن کریم نیز آن را یکی از صفات مؤمنان بر شمرده است:

۲- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۲)

«مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را برپا می دارند؛

ص: ۱۱۶

۱- ۱۴۸. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- ۱۴۹. سوره توبه، آیه ۷۱.

و زکات را می پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!»

و آنان که این فریضه الهی را انجام می دهند برترین افراد هستند:

۳- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (۱)

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آن ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن ها با ایمانند، و بیشتر آن ها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به تصریح قرآن، یکی از کارهای مهم ایشان همین امر به معروف و نهی از منکر بود:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا أُولَئِكَ إِنَّهُمْ يُنْتَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُوا لَكُمْ الطِّيبَاتِ وَيَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ

ص: ۱۱۷

«همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیای پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد، و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام نیز در روایات فراوانی به این دو واجب مهم تأکید نموده‌اند؛ از جمله امام باقر علیه السلام فرموده است:

«انّ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب، و تردّ المظالم، و تعمر الارض علی و ینتصف من الاعداء، و یستقیم الامر، فانکروا بقلوبکم، و الفظوا بالستکم، و صکوا بها جباههم و لاتخافوا فی الله لومه لائم»؛ (۲)

همان‌ا امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و طریق صالحان می‌باشد، واجب بزرگی که همه واجبات دیگر به واسطه آن اقامه می‌شود، مذاهب امنیت می‌یابند، تجارت‌ها

ص: ۱۱۸

۱- ۱۵۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲- ۱۵۲. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۹.

حلال می شود، حقوق پایمال شده مسترد می گردد، زمین آباد می شود، نسبت به دشمنان انصاف رعایت می شود و کارها در راه مستقیم جریان می یابد. پس به قلبتان از کار بد دیگران اظهار ناراحتی کنید و به زبان نهی از منکر کنید و در راه خدا از هیچ سرزنش و ملامتی نترسید.

حقیقت این است که همان طور که انحراف جامعه اسلامی از راه های باریک و زاویه های کوچک شروع می شود، اصلاح جامعه نیز همین گونه باید پیگیری شود؛ یعنی هرگاه شیطان و نفس اماره بتوانند فقط یک نفر را از مسیر مستقیم خدا منحرف کنند، همین یک نفر می تواند رفیق خود، برادر خود، همکار خود، همکلاسی و یا همسایه خود را هم منحرف نماید و همین طور تا سایر افراد جامعه؛ متقابلاً اگر هر یک از افراد جامعه در برابر خود و رفیق و خانواده خود، و همسایه و همکلاسی و همشهری و همکیش خود احساس مسئولیت کند، و از کوچک ترین زاویه و خطا جلوگیری نماید، کل جامعه اسلامی در طریق مستقیم خدا هدایت و باقی می ماند و به صلاح و فلاح و رستگاری می رسند.

اما اگر هر کسی، آن گاه که اولین انحراف را می بیند سکوت کند، آن دیگری هم همین حرف را بگوید، این انحراف و فساد گسترش می یابد و کل جامعه را ساقط می کند. یعنی دیگر هیچ واجبی را نمی توان عمل نمود، هیچ عبادتی انجام نخواهد شد، و این است معنای فرمایش حضرت که فرمود بهما تقام الفرائض.

«و لا یشهدوا بما لا یعلمون»

در یک جامعه انسانی که افراد متعدد با نیات متفاوت و حقوق و تکالیف متعارض وجود دارند، وجود اختلاف نیز حتمی است؛ یعنی حقوق افراد گاه با تکالیف دیگران متعارض می شود که برای اثبات حق هر فردی راه های گوناگونی هم وجود دارد، یکی از این راه ها گواهی و شهادت دادن دیگران است. یعنی با شهادت و گواهی دو نفر، حقی برای کسی ثابت می شود که اگر خدای نکرده دروغی در کار باشد و یا به هر نحوی مکر و حيله کنند، ممکن است حقی پایمال گردد و به افرادی ظلم شود.

به همین جهت در شرع مقدس اسلام، هم برای شهادت راست دادن تشویق و ترغیب شده که آنچه مردم می دانند کتمان نکنند(۱) و هم بر شهادت دروغ وعده عذاب داده شده است:

«وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛(۲)

«... و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد گواهی و شهادت دروغ فرمودند:

«یبعث شاهد الزور یوم القیامه مدلعا لسانه فی النار»؛(۳)

ص: ۱۲۰

۱- ۱۵۳. وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا...؛ سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۲- ۱۵۴. سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۳- ۱۵۵. کتاب گفتار انبیا ۳۲۸.

شاهد و گواه دروغ، در روز قیامت در حالی برانگیخته می شود که زبانش از دهانش بیرون آمده و به آتش می رسد.

در سوره فرقان وقتی اوصاف «عباد الرحمن» و بندگان خاص خدا را بر می شمرد به اینجا می رسد که می فرماید:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؛ (۱)

«و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند».

ص: ۱۲۱

«و لایکنزون ذهباً و لافضه»

مضمون حدیثی از معصومان علیهم السلام است که فرموده اند: هیچ ثروت انباشته شده ای ندیدم مگر این که حقّ مظلومی در کنار آن پایمال شده باشد.

اگر خدا، خدایی می کند که خودش بهتر می داند مخلوقاتش را چگونه اداره کند، خودش خوب می تواند روزی شان را تأمین کند؛ به گونه ای که کسی با شکم گرسنه سر بر زمین نگذارد؛ لکن از طرفی خدا انسان را آزاد آفریده، دنیا را دار تکلیف قرار داده، دار عمل نام نهاده است و از طرفی هم نفس انسان و شیطان، او را به سرکشی وسوسه می کنند، به طغیان دعوت می کنند، و به گناه و معصیت و ظلم تشویق می کنند که نتیجه آن ها گناه این می شود که کسانی به دیگران ظلم کنند، عده ای همه چیز را برای خود بخواهند و افرادی ثروت اجتماع را در خانه و حساب بانکی خود انبار کنند.

آن گاه خیل عظیمی از جامعه به فقر و تنگدستی دچار شوند که حتی لقمه نانی برای سیر کردن شکم فرزندان خود نداشته باشند، سایبان و سقفی نداشته باشند که شب را در آرامش و آسایش در آن به سر برند.

کسی که ادعا می کند دوستدار امام زمان علیه السلام است از این اعمال به دور است، آن که دوست دارد یار و یاور امام زمان علیه السلام باشد به این وضع راضی نیست، کسی که منتظر قیام و ظهور است باید مقدمات آن را با اعمال خود تا آنجا که می تواند فراهم کند.

البته ناگفته نماند که سرمایه داشتن و کار کردن و تولید جامعه را بالا بردن، بد نیست، ثروت اندوزی و محروم کردن مردم از مواهب خدادادی ناپسند است.

ص: ۱۲۳

اما آنچه که امام زمان علیه السلام برای یارانش تعهد می کند:

- ۱- برای خود ملازم و درباری نگیرد.
- ۲- هر کجا می روند با ایشان باشد.
- ۳- چون آنان لباس بپوشد.
- ۴- بر مرکوبی مانند مرکوب آنان سوار شود.
- ۵- چنان باشد که آنان هستند و دوست دارند.
- ۶- به کم راضی و قانع باشد.
- ۷- به یاری خدا زمین را پر از عدل کند، چنان که از ظلم پر شده است.
- ۸- خدا را آن گونه که باید و شاید عبادت کند.
- ۹- خراسان برایش فتح خواهد شد.
- ۱۰- اهل یمن مطیع او خواهند شد.
- ۱۱- لشکریایی از یمن به استقبال وی خواهند آمد. (۱)

ص: ۱۲۴

۱- ۱۵۷. از تلفیق هر دو نسخه ای که قبلاً اشاره شد این تعداد موارد به دست می آید.

با یک نگاه کلی به بندهای بیعت نامه و بررسی آثار آن، به این نتیجه می‌رسیم که جهان مهدوی و جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که همه مردم دین دار، در امنیت، سلامت، آزادی و رفاه نسبی به سر می‌برند.

وقتی کسی دزدی و احتکار نکند، برای به دست آوردن ثروت و دارایی‌ای که داشتن و نداشتنش در زندگی او تأثیر چندانی ندارد تلاش نکند، به حق خود قانع بوده و به حقوق دیگران تجاوز ننماید و دارایی‌های بدون استفاده اش را انباشته نکند که دیگران از آن بی‌نصیب شوند، این امکان برای تمام مردم جامعه پیدا می‌شود که در یک موقعیت مناسب زندگی کرده و از تمام مواهب یک زندگی در سطح خوب استفاده کنند و هر کدام به سهم خود در تولید ثروت و مصارف زندگی سعی و تلاش خواهد کرد و لذا سایه فقر و تنگدستی از جامعه مهدوی بر چیده خواهد شد.

امنیت جامعه مهدوی یکی دیگر از نتایجی است که با عمل به این بیعت نامه به دست می‌آید، وقتی کسی به دیگری تعرض نکند، کسی راه‌ها را ناامن و راهزنی نکند، دزد و سارق پیدا نشود، مردم در حفظ آبروی خود احساس آرامش نمایند، خانه‌ها امنیت داشته باشد، همه در آسایش و آرامش و امنیت زندگی خواهند کرد.

اگر جامعه در امنیت به سر ببرد، آزادی افراد نیز خود به خود تأمین می‌شود، همه با آزادی کامل و امنیت خاطر زندگی می‌کنند و به کار و زندگی و سفر مبادرت خواهند ورزید.

اگر همه از گناهان و نجاسات دوری کنند، از پلیدی‌ها اجتناب نمایند، کسی شراب نخورد، مواد مخدر مصرف نکند، ... و به همه دستورهای بهداشتی اسلام، از فردی و اجتماعی، و روحی و اخلاقی و جسمانی، عمل نمایند، همه به سلامت خواهند بود و جامعه سالم مهدوی شکل خواهد گرفت.

به امید آن روز خجسته!

ص: ۱۲۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

